مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۱۲۸
پنجشنبه ۶ دیماه ۱۳۵۸ - تکشماره ۱۰ ریال

امام خمینی:

اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه جور وابستگی‌ها دنبالش می‌آید و وابستگی سیاسی هم پیدا می‌کنیم، وابستگی نظامی هم پیدا می‌کنیم، برای اینکه وقتی ما چیزی نداشتیم، دستمان به طرف آمریکا دراز میشود و آمریکا همه چیز را به ما تحمیل می‌کند.

(از سخنان امام در دیدار با اعضاء موسس انجمن اسلامی مستضعفین مبارزه با اعتیاد)

مصوبات قانون اساسی درباره ملی کردن بازرگانی خارجی باید سریعاً اجرا شود

صفحات ۴ و ۵

دهها هزار تن از مردم در سراسر کشور، خواستار ادامهٔ افشاگریهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شدند

دهها هزار نفر از کارگران در یک راه‌پیمائی سراسری علیه امپریالیسم آمریکا شرکت کردند:

سازشکار، سازشکار، نوکر امریکائی کارگر، کارگر، دشمن آمریکائی

همانطور که گلوله‌های امریکالی نتوانست عزم راسخ طبقه کارگر قهرمان ایران را از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا ورژیم دست نشانده‌اش، باز دارد، دیروز نیز کارگران مبارز، باوجود برف وباران، تظاهرات عظیمی درسراسر کشور علیه امپریالیسم امریکا برپا داشتند.

دیروز بدنبال انتشار اطلاعیهٔ شماره هشتاد دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مبنی بر ادامهٔ افشاگری‌ها در صورت موافقت مردم مبارز ایران، هزارها نفر از مردم و کارگران با راه‌پیمائی در جلوی جاسوسخانهٔ آمریکا و نیز دهها هزار نفر از مردم سراسر کشور، پشتیبانی کامل خود را از اقدام انقلابی دانشجویان وافشاگریهای آنان علیه خائنین به منافع انقلاب ایران، اعلام داشتند. در پیشاپیش مردم طبقهٔ کارگر انقلابی ایران قرار داشت.

طبقهٔ کارگر ایران درعرصه مبارزات ضدامپریالیستی خودبار دیگر خواستار تداوم انقلاب شد.

دیروز دهها هزار نفر از کارگران مبارز در راه‌پیمائی پرشور خود در سراسر کشور، در مقابل امپریالیسم آمریکا صف‌آرائی کردند.

راهپیمایی سراسری ضد امپریالیستی اتحادیه سراسری شورا‌های انقلابی اسلامی کارکنان شرکتهای تابعه و وابسته سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران بود، که به‌پشتیبانی از «دانشجویان مسلمان پیروخط امام» در روز گذشته در تهران و چند شهر دیگر انجام شد.

عصر دیروز گروه عظیمی از کارگران صنایع گسترش و نوسازی صنایع ایران از ساعت ۳ بعدازظهر در تهران در راهپیمایی باشکوهی شرکت کردند. این راه‌پیمائی از در شرق دانشگاه شروع شد و در جلوی لانه جاسوسی آمریکا خاتمه یافت.

کارگران شرکت‌کننده در تظاهرات دیروز از شهرهای مختلف ایران از جمله اراک و تبریز به تهران آمدند و با وجود سرمای زمستان و برف و بوران درصفوف منظم و باگامهای استوار خود بر سنگفرش خیابان کوبیدند و قاطعانه خواستار تداوم انقلاب شدند.

این گروه از کارگران متعلق به‌بیش از ۳۵ شرکت و کارخانه وابسته به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران بودند، که در واحدهای صنعتی صنایع سنگین و صنایع مصرفی، مجتمعی از صنایع ماشین‌سازی پارس در اراک و قزوین، تراکتور سازی تبریز، صنایع چوب و کاغذ ایران، تراکتور سمند، گونی بافی قائم‌شهر، شرکت مانه در منطقه اراک وکارخانه لنوزامین آباد وتعدادی دیگر از کارخانجات، کار می‌کنند.

کارگران در طی راه‌پیمائی با قاطعیت تمام، همانگونه که خصلت طبقاتی آنهاست، در مقابل امپریالیسم و ارتجاع داخلی صف‌آرائی کردند و با حمل تراکت‌های متعدد خواستهای انقلابی خود را در معرض افکار عمومی و مسئولین امر قرار دادند.

بر روی یکی از تراکت‌ها متعلق به واگن‌سازی پارس نوشته شده بود:

ما خواهان قطع کامل روابط اقتصادی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم خیانتکار آمریکا و نیز مصادره سرمایه‌های امپریالیستی به‌نفع زحمتکشان ایران هستیم.

بر روی تراکت دیگر کارگران نوشته‌شده بود: ماخواستار محاکمه انقلابی امیرانتظام‌ها و تمام جیره‌خواران امپریالیسم جهان‌خوار هستیم.

گروهی از کارگران تبریزی بر روی تراکت خود نوشته‌بودند:

بیزیم، بیرلشماقتان

امپریالیسم جهانخوار ریشه‌سین کساغ (همه با هم متحد شویم، تا ریشه امپریالیسم جهانخوار را از بن بکنیم)

همچنین کارگران در طی راه‌پیمائی با شعارهای پرشوری از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام حمایت نمودند و نشان دادند که طبقه کارگر ایران در پیروی از رهبری امام، آماده رزمها امپریالیسم امریکاست. کارگران در شعارهای خود سگفتند:

بگفته خمینی، امریکا دشمن ماست

هرکه در این راه نیست دشمن ملت ماست

صنایع وابسته ملی باید گردد

امپریالیسم خونخوار نابود باید گردد

در پایان، نماینده کارگران بعد از درود بر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، قطعنامه‌ای راقرائت کرد. برخی از خواستهای کارگران چنین است:

- ماخواهان تداوم مبارزه ضد امپریالیستی ملت ایران تحت رهبری قاطع و سازش‌ناپذیر امام خمینی تا نابودی تمامی روابط امپریالیستی هستیم.

- ما ضمن پشتیبانی قاطع از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، از این برادران مجاهد خواهان تعیین تاریخی مشخص هستیم، که اگر شاه خائن و جنایتکار تا آن تاریخ به ایران بازگردانده نشد، بلافاصله محاکمه علنی تمام گروگانها آغاز شود.

- ما خواهان ملی شدن تمام سرمایه‌های امپریالیستی و وابسته در سراسر ایران و به ویژه در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران هستیم.

بقیه درصفحه ۷

در ۸ صفحه امروز:

شعار مردم شیراز:
فئودال خونخواری همدست آمریکائی — صفحه ۲

درباره آموزش لنینی حزب طراز نوین طبقه کارگر — صفحه ۲

بایک سبد شقایق - شعری از طارم سربلند — صفحه ۸

نشر پیام امام بمناسبت میلاد مسیح با «دموکراسی غربی» مباینت دارد — صفحه ۲

ما خواستار محاکمه قاتلان وشکنجه‌گران توده‌ایها هستیم — صفحه ۸

شباهت‌های ناگزیر ... — صفحه ۷

خون انقلاب در رگهای هنر
نگاهی به گالری ۱ و ۲ موزه هنرهای معاصر — صفحه ۶

معنای یک واژه: شانتاژ — صفحه ۶

زیدان: ویرانه‌ای بنام آبادی

□ روستائیان زیدان: اگر یک شب باران بیاید، آن شب عزای ماست

صفحه ۷

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا
تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

درباره آموزش لنینی
حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر

لنین درمبارزه خود باجریان‌های مختلف سازشکار و اپورتونیست، دریك سلسله آثار مهم خویش، آموزش مربوط به حزب طراز نوین طبقه کارگررا، به اتکاء یك رشته رهنمودهای قبلی مارکس وانگلس، بسط داد. آثار لنین که این آموزش درآن آورده شده است، عبارتست از :

«چه باید کرد؟» «یك گام به‌پیش ، دو گام به‌پس»، «دوتاکتیك سوسیال دمکراسی درانقلاب دمکراتیك»، «بیماری کودکانه چپ روی».

اکر بخواهیم آموزش لنین رادرباره حزب، براساس آثار پیش‌گفته، تلخیص کنیم، نتیجه‌گیری‌های زیرین بدست می‌آید، که آنرا باانطباق برواقعیت تکامل حزب طبقه کارگر درددوران اخیر تاریخی بیان میداریم:

حزب، **طلایه‌دار و پیشاهنگ آگاه** طبقه کارگر است . البته پیشاهنگان اکاهی‌که **متحدان طبقه کارگرند** (مانند دهقانان وروشنفکران مترقی وکارمندان میانگین وکوچك و دیگر قشرهای مترقی وتهیدست شهر وده) نیز درحزب طبقه کارگر، باپذیرش بینش طبقه کارگر شرکت می‌ورزند .بدین ترتیب بهترین نیروهای زحمتکشان یدی وفکری، که با بهره‌کشی سرمایه‌داری مخالفند، درحزب طبقه کارگر متحد میشوند و پایگردان رزمنده واکاه رابوجود می‌آورند.

این حزب باید به‌یك تئوری دارای پایه وبنای علمی مجهز باشد، که براساس ان وظایف وهدفهای طبقه کارگررا برای اصلاح اجتماع درپرتامه حزبی بپا نمی‌کند واین‌برنامهٔ حزبی یك دوران معین تکامل تاریخی کشور معین رادربر می‌گیرد، به‌بیان دیگر، حزب به تئوری عمومی و تئوری خصوصی (یا انطباقی) انقلابی مجهز است.

وظیفهٔ اعضاء حزب است‌که این بینش و تئوری علمی انقلابی رافراکیرند. برنامه واسناد حزبی رامورد بررسی و کوارش قرار دهند ودرراه اجراء عملی تصمیمات حزب خود ازهرگونه تلاشی تن نزنند ودرهمه‌جا بکوشند تا قشرهای وسیع زحمتکشان، توده‌های مردم رااز روش وسیاست حزب خود اکاه سازند.

حزب نه‌تنهاطلایه‌دار و **پیشاهنگ** اکاه، طبقه‌کارگر و متحدان اوست، بلکه طلایه‌دار، وکردان **متشکل** است. بدین معنی که عضو هر حزب حتماً باید دریك سازمان بنیادی شرکت جوید ودرچارچوب این سازمان فعالانه کار وپیکار کند. خود حزب یك سیستم یکپارچه ومتحد این سازمانهاست ویك «کل متحد» رابوجود می‌آورد که قادراست پیکار طبقه کارگر و متحدانش راموافق برنامه معین اداره کندو به پیش ببرد.

طبقه‌کارگرومتحدانش سازمانهای‌گوناگونی رادراختیار دارند، مانند سازمان جوانان، زنان، اتحادیه‌های کارگری و دهقانی، سازمانهای فرهنگی وورزشی وهنری وغیره وغیره. حزب **عالی‌ترین** شکل سازمان طبقاتی پرولتارپاست، یعنی همه دیگر سازمانهای پرلتاری راهربری می‌کند.

این سازمانها ، که غالبا جنبه صنفی دارند ودر آن قشرهای وسیع اهالی میتوانند شرکت جویند، **تسمه‌های‌رابط** حزب باقیانوس وسیع جامعه است و حزب پیوند خود را با جامعه- امری‌که‌دارای اهمیت حیاتی‌است- بکمك این‌سازمانها حفظ می‌کند، اوالا بیك فرقهٔ محدود دربسته وجدا افتادهٔ ازخلق بدل میشود، بکمك این سازمانهاست که حزب میتواند خلوص خودرادر خدمتگزاری به طبقات وقشرهای زحمتکش جامعه، **درعمل** نشان دهد وسطح اگاهی سیاسی انهارا ارتقاء ببخشد. بعلاوه عمل و اندیشهٔ خلاق توده‌ها، یك منبع بزرك تغذیه فکری و تجربی برای خود حزب است، یعنی حزب هم دیگران رامی‌اموزد وهم ازدیگران می‌اموزد.

اصل بنیادی سازمانی حزب طراز نوین طبقه کارگر، مرکزیت دمکراتیك است. زحمتکشان دراین بفرنج خود با سرمایه‌داری محلی وجهانی، سلاح دیگری بجز سازمان در دست ندارند، بقول فادروان لاموتی: «**چارهٔ رنجبران وحدت وتشکیلات است.**»

اصل سازمانی حزب طبقه کارگر ازهدفها ووظایفی که این حزب درپرابر خویش می‌نهد، ناشی شده است، و نشانگر آنستکه آیا حزب واقعا لیاقت انرا دارد که درعمل بزرگی مانند انقلاب اجتماعی نقش ایفا کند.

حزب نظرات جدا جدای کارگران وزحمتکشان را در درون سازمان بیك قدرت واحد بدل میسازد ودرمیان آنها **وحدت اندیشه ووحدت عمل** برقرار میکند، اراده متحد و متراکم زحمتکشان میتواند نیروئی پدیدآوردکه پیروزی‌بخش است، برای آنکه این وحدت اندیشه وعمل، این اتحاد ارادی زحمتکشان تحقق عملی یابد، وجود **رهبری مرکزی حزب** ضرور است، این رهبری مرکزی باید بتواند انضباط محکم را درصفوف حزب پدید آورد وخواستها واراده های پراکنده رادرمجرای واحدی سپردهد، همه اعضاء حزب موظفند در اجرای تصمیمات رهبری حزب باتمام نیرو بکوشند ومعرفت وتجاربی راکه دربنیرد آموخته‌اند، بخدمت پیشرفت امر مشترك بگمارند، نقائص کاررا برملا سازند، راههای ابتکاری نوینی رادر برابر پای حزب بگذارند، یعنی به **انتقاد وانتقاد الزخود** دست بزنند.

ازآنجاکه تصمیمات رهبری حزب، نمایانگر ارادهٔ جمعی حزب است، همهٔ اعضاء حزب موظف به اجراء عملی انها هستند، حتی اگر پاان موافقت نداشته باشند، زیراهیچ‌عضو حزبی حق ندارد **خواست فردی** خودرابه مانعی درسرراه‌اجراء **خواست جمعی** حزب بدل کند. این انضباط اکاهانه، یعنی قبول اکاهانه وازروی ادراك ضرورت اجراء تصمیمات‌رهبری مرکزی حزب، که پایه‌اش وحدت ایدئولوژیك ویگانگی هدف همه اعضاء حزب است، به حزب خاصیت **تشکل** میدهد و این امکان راپدید می‌اورد که حزب **یگانه وهدفمند** عمل کند . بدینسان درجانب عمده واساسی مرکزیت دمکراتیك عبارت است از **دمکراسی**، یعنی اینکه کلیهٔ اعضاء حزب، ازحوزه تا کنگره، دراتخاذ تصمیمات سیاسی و سازمانی حزب شرکت فعال دارند، و**مرکزیت**، یعنی اینکه تصمیمات متخذه ازجانب ارگانهای رهبری کننده، ازطرف کلیه اعضاء حزب، بانضباط کامل و جدی و مانند تنی واحد و بدون تخلف اجراء میشود.

مکانیسم اجراء مرکزیت دمکراتیك رااَئین نامه حزب معین می‌کند، باید توجه داشت که تناسب بین دوقطب‌دمکراسی ومرکزیت درشرایط مختلف کارحزب (کارمخفی یاعلنی ، دورانهای انقلابی یاآرام) تفاوت می‌کند وگاه یك قطب و گاه قطب دیگر عمده میشود، ولی درهیچ حالتی نباید یکی ازدوقطب معطل بماند، دمکراسی بدون مرکزیت حزب را بسوی بی‌لنمی و به هرج‌ومرج میبرد، مرکزیت بدون‌دمکراسی حزب رابه دستگاه اداری بد لمی‌کند وبطرف گندیدگی معنوی سوق میدهد.

یافتن تناسب صحیح بین دوقطب، حفظ اکید این تناسب درعمل، امری است دشوار و باید بدان توجه جدی معطوف شود، شایان ذکراست که یکی از جهات مهم دمکراسی حزبی مراعات اصل جمعی بودن رهبری است، یعنی حزب طراز نوین طبقه کارگر شیوه پیشوائی را رد می‌کند، بدون آنکه این سخن بمعنای آن باشد که این‌حزب‌به‌حیثیت و اعتبار ارگانهای رهبری ورهبران خوبی توجه ندارد.

تکامل حزب منوط ومربوط است به اینکه آموزش مارکسیسم- لنینیسم بامراعات مشخصات جامعه و وظایف خاص ناشی ازتکامل انقلاب، باصطلاح «پیاده شود»، جهان‌بینی مارکسیسم- لنینیسم بعلت صلابت منطقی و غناء حیرت‌انگیز علمی وانسجام درونی خود **قادراست** بسائلی که زندگی مطرح می‌کند، **پاسخ گوید**، ولی همه مطلب در اینجاست‌که ماتاچه اندازه بتوانیم این بینش کلی وعمومی را بر ویژگیهای جامعه معین، دوران‌معین و وظایف معین انطباق دهیم، که درآن هم استواری دراصول پی‌گیری در هدفهای انقلابی بدرستی ملحوظ شود وهم نرمش عملی و مراعات واقعیات وجستجوی امکانات، زیرا اکرمادر حصار «**اصول**» محبوس بمانیم، کارمابه جزم گرائی (دگماتیسم) و سلك‌گرائی (سکتاریسم) ودرخود خزیدن می‌کشد، واگرما بدنبال «امور ممکنه» بدویم، دچار فرصت طلبی (اپورتونیسم) و باژبین‌گرائی (ردپزیونیسم) و دورشدن تدریجی از هدفهای انقلابی میشویم. همانطورکه ترکیب «مرکزیت» و«دمکراسی» کاری است دشوار وسهم، بهمان ترتیب ترکیب «استواری اصولی» و«نرمش عملی» کاری است دشوار وسهم.

درصورت ترکیب صحیح اصول (تئوری) باعمل‌انقلابی پراتیك)، مایه غنی‌ترشدن تئوری خدمت کرده‌ایم و از جزم‌گرائی وباژبین گرائی (یعنی تجدیدنظر کردن غلط و غیرلازم وانحرافی دراصول تئوری) حزب راحفظ کرده‌ایم. برنامه حزب وقطعنامه‌ها وقرارهای کنگره حزبی و رهبری مرکزی نمایانگر شیوه پیاده کردن تئوری عمومی واقعیت عینی جامعه معین، دوران معین، مرحله معین ازانقلاب است. درهمین زمینه است که حزب استراتژی درازمدت و تاکتیك کوتاه مدت خودرا معین می‌کند.

نبرد حزب طبقه کارگر درهر واحد ملی، درقبال جبهه نیرومند ومتشکل سرمایه‌داری ، زمانی میتواند با توفیق تاریخی- جهانی همراه باشدکه اصل **همبستگی جهانی** نبرد پرلتاریا درنظر گرفته شود. شماری که مارکس و انگلس آورده‌اند: «**رنجبران جهان یگانه شویداد**» ناشی از همین ضرورت است .

این شعار بیانگر **جهانگرائی (انترناسیونالیسم) سوسیالیستی پاپرولتاری** است، که درمقابل ملت گرائی (ناسیونالیسم) بورژوائی‌قراردارد. روشن‌است‌که جهان‌گرائی پرلتاری کوچکترین تضادی با میهن‌دوستی ندارد، بلکه مکمل آنست. برای هرانقلابی سنگر رزم وحوزهٔ ماموریت‌تاریخی او وطن اوست.

هرانقلابی موظف است برای رهائی وطن خود ومردمش از یردگی خارجی و فارتگری و ستم‌داخلی یکشدود وطن‌خود رابسوی تعالی همه‌جانبه سوق دهد، منتهیا این تلاش درخشنی نسبت به‌وطن دیگران نیست، بلکه برعکس در همیاری و هماهنگی بانظیراین تلاش‌اژطرف انقلابیون همه کشورهاست. درواقع طی قرن گذشته همبستگی پرلتاری توانست طبقات و قشرهای زحمتکشان بسی وفکری رابه یك نیروی مقتدرتاریخ بدلکند وتوانست حمله سرمایه داری رادرموارد مختلف درهم شکند .

ازآنجاکه دراین همبستگی رازی ونیروئی هنگفت نهان است، بورژوازی باپمیان کشیدن افتراء «بی‌وطن» بودن انقلابیون مارکسیست- لنینیست، می‌خواهد آنهارا «مرکند» واز اعتبارشان درجامعه بکاهد **وهمبستگی را وابستگی** نشان دهد، ولی این اتهامات سیلفان دلار درخور اعتنانیست، زیرا آنها درست از بن‌بدگی سلاح همبستگی‌پن‌لتاریای‌جهانی استکه «برنج» میشوند وبه‌دفاع‌ازمیهن می‌پردازند.

درپایان این بحث باید گفت‌که تکامل احزاب کارگری و رسیدن آنها بحدعالی «حزب طراز نوین طبقه کارگر» یك روند کمابیش طولانی است، که به یك سلسله عوامل معینی (تکامل عمومی اجتماعی وطبقه کارگر) وذهنی (فراکیری‌عمیق تئوری انقلابی بوسیله پیشاهنگ- و انطباق درست آن بر واقعیت جامعهٔ معین) مربوط است .

حزب توده ایران از همان آغاز از جهت جهان‌بینی و موضع‌گیری سیاسی و تکیه‌گاه اجتماعی و همبستگی بین‌المللی خود، حزب طراز نوین طبقه کارگر بوده، ولی این بدان معنا نیست که‌این‌حزب یك‌پارودند پر فراز و نشیب‌تکاملی‌را در این راه‌طی نکرده است.

درشرایط کنونی، دادن شعار: «بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر»، یك شعار انحرافی مخالفان حزب استکه می‌خواهند ازاعتبار آن بکاهند، این حزب هم‌اکنون وجود دارد، وظیفه هرانقلابی استکه به تکمیل همه جانبه‌ان دررون صفوف آن کمك رساند، نه برعکس .

نشر پیام امام
بمناسبت میلاد مسیح
«دموکراسی غربی» مبابنت دارد

خبرگزاریها خبر دادند که «واشنگتن پست» ازروز پیام امام خمینی بمناسبت میلاد مسیح رسما خودداری کرده است. این روزنامه که از بانفوذترین ارگان های «دموکراسی غربی» است، حتی خاطر نشده است بعنوان اگهی پیام امام رابکوش مردم امریکا برساند، البته پیام پرمغزرهبر انقلاب اسلامی ایران پیامی است «ازول برخاسته که برول نشیند» پیام دل با دلهاوحسهائی که بظلم عدالت اجتماعی واحقاق حقوق ازدست رفته ستمدیدگان همه ادیان، وملل میطپد، باین قبیل وسائل ارتباط جمعی، مستکبران بین المللی احتیاجی ندارد، صحبت باربر سر ماهیتواقعی «دموکراسی غربی» است، که هنوز هم بعضی محافل ایرانی بدان دل بسته‌اند. روزنامه «واشنگتن پست» درجواب نامه نماینده ایران بوده صراحت گفته است که پیام ها با سیاست روزنامه مطابق نیست . اینجست که «دموکراسی غربی» - این پوشش سیاسی منافع غاصبانه انحصارات امپریالیستی - بیکباره نقاب ازچهره کریه خود بر میدارد وهرگونه پرده استتار «بیطرفی» و «واقع‌نگاری» رابکنار میزند. بجاست دراین‌باره، نوشتهٔ بحق هفته نامه «هورزون»چاپ‌جمهوری‌دمکراتیك آلمان رابخاطر آوریم، که نوشت: «اگرامام خمینی دستورمیدادند درمساجد اعلام شود که سیستم سیاسی آزاد غرب باید جای جمهوری اسلامی رابگیرد، که آمریکا دوستدار بشر آستوفت رابدیدای غرب سرازیر کنند، که شورای انقلاب را منحل و شاه مخلوع رابرافیان اورا ببخشند و به خدایشان واگذارند، آنوقت وسائل ارتباط جمعی آمریکا و آلمان‌غربی‌اورا دوتوردی‌خرده‌ند، سیاستمدار وهوشمند و قدیمی ایران فرمان رامی‌بردند، بحبوب ترین و هوشیار ترین مردم روی زمین میشدند، اما حالا که امام خمینی مداخلات مستمر آمریکا رادر امور داخلی ایران برملا و او را وادار میکند، که قصد دارد انقلاب ایران راخفه کند و شاه مخلوع رامی‌خواهد بعدالت بسپارد، متعصب، قرون وسطائی وخرفات‌وچون نمیخواهدهموطنان رادردسر بیستم آمریکاپستی‌ببینند، متهم میشود که کشوررابنابودی میکشند، حالا که مردمی سالها غارت شده ویجان آمده سفارت آمریکارا تصرف میکنند تا به ایران طریق حرف‌حق خودرابکرسی بنشانند، آزادی خواه وپیمبردار معرفی میشوند، مثل اینکه برای انقلاب هم باید ازآنها کسب‌اجازه کند.

درغرب فریاد برآورده‌اند که تصرف سفارت درست و معقول نیست.!ماایین آمریکاست که نوع جدیدی ازدیپلماسی‌وارزیابی آورده وماموران سیارا با گذارنامه‌های سیاسی «مامور کشتار دولت - مردان وسیاستمداران کشورهای دیگر میکند، آیااین معقول‌است؟ وقتی دژخیمان ساواك‌وخشیانه دهها هزاران رادر سردهای شکنجه نابود میکردند این سفراو ماموران ویژه کجا بودند؟ آیا بخوبی ازاین جنایات‌آگاه بودند، چه این وسائل طریف و دقیق شکنجه دردنیای غرب تهیه و فروخته میشد. اکنون که چندتن از این دژخیمان بدست عدالت سپرده شده‌اند روزه کشان‌برای بشریت شکوه سر می‌دهند و بطبوعات آلمان غربی، آمریکارا بادادگاه نظامی‌نشان دادن ضرب شست بر می‌انگیزند وخاطرات را جدال بین غول و کوتوله نام می‌نهند، عادت کرده‌اند مردم، را بگروه غارتگر شدو بزرك‌وکوچك تقسیم کنند، اگرکوچك از حق خود دم برآورد عرظلمی درحق او روا است وبا سلاحهای خوفناك تهدیدش میکنند، کسی نیست زیر گوش آنها بخواند‌که زمان آن بسرآمده ودرسی که کوبا در خلیج خوکها به‌کندی داد باید آوازه گوش باشد.»

مقایسه برخورد واشنگتن‌پست ومجموعه بطبوعات ورسانه های گروهی غربی و نوشته هرویزون وسایر بطبوعات‌ورسانه‌های گروهی کشورهای سوسیالیستی، ضمنا نشان میدهد که دوستان‌ودشمنان انقلاب ایران کیستند ؟

راه‌پیمایان بعد ازگذشتن از خیابانهای اصلی شهرشیراز، بمشاه‌چراغ رسیدند. دراین‌محل **آیت‌اله‌سیدعلی‌محمددستغیب** برای انوبه حاضران سخنرانی کرد.

آیت‌اله دستغیب ازجمله‌گفت:

«نبرد دوات بازرگان **همه خراب بودند**. عناصر فاسدی‌مثل زیدها وامیرانتظامها مانع اقدامات انقلابی میشدند.»

آیت‌اله دستغیب از شورای انقلاب خواست‌که انقلابی عمل کند ودرآینده تقسیم اراضی هرچه‌زودتر تصمیم بگیرندتادوباره دچار اشکال نشوند ودست فئودالها را که می‌گویند: «اگر شورای انقلاب دستور دهد، ما زمین‌ها را تقسیم می‌کنیم» هرچه زودتر روکند.

آیت‌اله دستغیب ضمن‌پشتیبانی‌از **رضاصفهانی**، از او خواست که باوجود همه‌کارشکنی‌های زمینداران بزرگ،هرچه‌زودتر درتصویب طرح تقسیم‌زمین اقدام نماید وهرچه زودتر به‌خرابهای جامعه‌عمل بپوشاند.

این‌سخنان درمیان فریادهای تائیدآمیز هزاران راهپیما پایان گرفت. براساس گزارش خبرنگاران «مردم» ازشیراز،«مردم»

سخنان مردم شیراز

دررزاه‌پیمائی بزرگ خلعه فئودالیسم:

فئودال خونخواری همدست امریکائی

پلاکاردهای راه‌پیمائی :
فئودالیسم ارتجاعی‌ترین وضد انقلابی‌ترین پایگاه امپریالیسم است

مردم شیراز دریك راه‌پیمائی وسیع علیه فئودالیسم شرکت‌کردند وپشتیبانی خود را ازاجرای اصلاحات‌ارضی، که در دستور روز وزارت‌کشاورزی قراردارد، اعلام‌داشتند.

به‌گزارش خبرنگاران «مردم» ازشیراز، راه‌پیمائی ساعت ۱۰ صبح روزسه‌شنبه آغازشد دراین راه‌پیمائی،که به دعوت ستاد دانشجویان مسلمان دانشگاه شیرازانجام میشد، گروه‌کثیری‌ازمردم ودانشجویان، ازجمله هواداران حزب توده ایران وسازمان‌جوانان دموکراتیك دمکرات شیرازشرکت داشتند. راه‌پیمایان، که درطول مسیرتندادشان زیاد وزیاد‌میشد، شعارمی‌دادند:

- فئودال خونخواری، همدست آمریکائی
- فئودال غارتگر، این دشمن کشاورز، سرکوب باید‌گردد

راه‌پیمایان همچنین پلاکاردهائی در دست داشتند، که روی آنها نوشته شده بود:

- فئودالیسم ارتجاعی‌ترین و ضدانقلابی‌ترین پایگاه امپریالیسم است
- برنامه های رضا اصفهانی مورد تأیید همه کشاورزان مستضعف است

زیدان : ویرانه‌ای بنام آبادی...

بقیه ازصفحه ۳

شاهی اینجا بعد از مدتی به ویرانه‌تبدیل شد، قبلا اینجا ۵ تا قنات بود، کدور حال حاضرسه‌تای‌آن‌کاملا مخروبه است، فقط دو رشته از این قناتها اکنون‌قابل بهره‌برداری است.»

گندم و جو و صیفیجات، محصولات ۳۰ هکتار از ۲۰۰۰ هکتار زمینهای این روستا است، که زیر کشت قرار دارد، چرا باید اینهمه زمین، عاطل و باطل بماند، کشت نشود و محصولاتش بازار- ها را پر، سفره دهقانان را رنگین و کشور را بی‌نیاز نکند؟

۱ دانك از شش‌دانك کل آبادی موقوفه عام است، مالکان اینجا باگرفتن ۱۷۰۰۰۰ تومان وام - در دوران رژیم شاه مخلوع - از بانك فقط ٤ حلقه چاه حفر کرده‌اند، که الان از یك چاه استفاده میشود.

«و ویرانی «زیدان» یکی از ثمرات اصلاحات ارضی رژیم گذشته است، که همه دهقانها را به‌خاك‌سیاه‌نشاندند، عده‌ای را مجبور به‌مهاجرت کرده و عده‌ای‌را در فقر فلاکت‌باری فرو برده است. انقلاب ما باید بتواند باین سیاه روزی پایان دهد و «آبادیها» را واقعا آباد سازد.

۱) خوش‌نشین- رعیت بدون زمین ، بدون نسق یاسهم کارگر کشاورز، که برای کسان دیگر کار میکند.

۲) قاپون: قاپچه‌ای چوبی که با زنجیر به‌سقف وصل شده و روی آن غذا می‌گذارند.

۳) مشاع- زمین یا جز آن، که‌ملك مشترك چند تن باشد و حصه‌های آنان تقسیم نشده باشد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیك ایران در جبهه متحد خلق

اخبار دهقانی

زیدان: ویرانه‌ای به‌نام آبادی...

□ روستائیان زیدان : اگریك‌شب باران بیاید آن شب عزای ماست

□ از ۲۰۰۰ هکتار زمین این روستا، تنها ۳۰هکتارزیرکشت است.

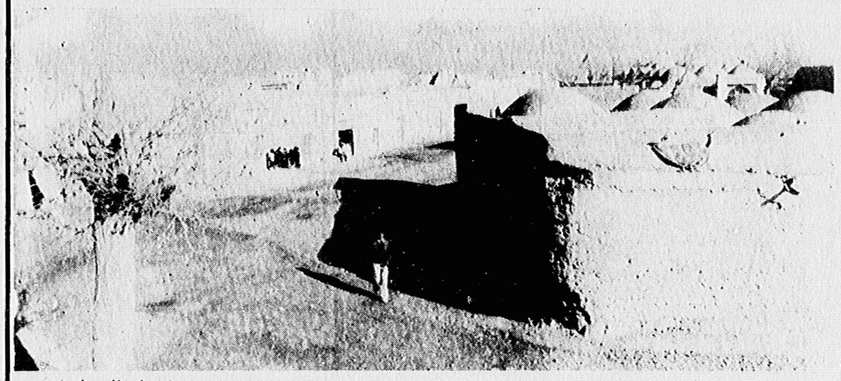

منظره‌ای از ده زیدان

دهقانان باکمك نماینده‌امام، بحق‌خود- زمین- رسیدند

۱۲ تا ۱۵ هزار نفر از دهقانان بخش ازاك، شهرستان الیگودرز، مدتهاست زمین میخواهند. دربهار سال‌جاری دهقانان، که ازدولت موقت خیری ندیده بودند، دستجمعی دست بتصرف‌زمین مالك(امیرحسین‌خان فولادوند) زدند.

بعداز تصرف زمین توسط‌دهقانان، مالك‌دست‌بآزاردهقانان زورعلاوه براعمال زور، محیلانه بعشایت پرداخت، او حتی بدفتر **امام** مراجعه‌کرد وازآنجا نامه‌ای آورد بدین‌فکر که زمینهایش‌را پس‌بگیرد. نماینده‌**امام**، آقای‌کردبی، که‌خود از افرادمحلی‌است، عازم ازنا میشود. درمحل، دهقانان به‌نماینده **امام** شکایت می‌برند که مالك آنهارامسلمانانه اذیت وآزار میرساند. ازآنجاکه‌نماینده **امام** نیزخود سواهی خانوادگی مالك را میداند، بدفتیش خانه مالك میپردازد، که درنتیجه چندین‌قبضه تیربار وتفنگ ۳و۵مقدار ۱۳کیلو تریاك ازخانه مالك‌کشف میشود. نماینده **امام** بـاکشف مواد فوق، مالك را بدادگاه انقلاب خرم‌آباد معرفی می‌کند، که درنتیجه مالك زندانی میشودو بعداز چندماه زندان، نماینده‌**امام** ازایشان تعهد میگیردکه فوراً محل‌را ترك‌کند و زمینهای مصادره شده‌که توسط دهقانان را بخودآنها واگذار نماید. مالك اینك در تهران بسرمی‌برد ولی هنوز ایادی او دهقانان را گاهگاهی اذیت میکنند.

برای‌قطع‌ایادی‌مالکان‌بزرگ‌وریشه‌کن‌کردن‌بساط‌غارت‌آنها، باید هرچه زودتر وقاطعتر مسئله زمین بسود دهقانان حل شود و زمینه توطئه وتحریك‌اربابان ازبین برود.

گوشه‌ای از جنایات مالك غاصبی درروستای «بایکلا»- بابل

«انجمن اسلامی بایکلا»، تحت عنوان «ولعنت‌اله‌علی‌القوم‌الکافرین»، شرح‌جنایات خانواده مالك غاصبی‌را بنام «علیجان نژاد»، که دررأس آن شخصی است بنام «حاج‌احمد علیجان‌نژاد» نوشته وبرای مقامهای مسئول فرستاده است. جوانان ده‌یك‌نسخه از آنراهم برای «مردم» فرستاده‌اند.

خلاصه‌کلام این است که افراد این‌خانواده طی چندسال اخیر باضرب وجرز، حداقل سه‌نفر را -**شفیع حیدرقلیزاده، اسفندیارحقانی‌وطهماسبقلی حیدرقلی‌زاده**- به‌قتل‌رسانده‌اند. پس‌ازانقلاب نیزبدستور حاج‌احمد،شخصی‌را بنام‌ابوالحسن مومنی، هنگام مراجعت ازحمام دستگیر کرده باهمله آهنی تاحد مرگ‌کتك‌زده، خانه اورا سنك‌باران‌کرده وعیال واطفال اورا «تواری»ساخته‌اند.

حاج‌احمد آنقدر سفاك و بی‌آبروست‌که حتی ازعمل منافی عفت جاهلانه‌ازانان نیز عارنداشته‌اند. چندقاوادان حاج احمد هرروز عده‌ای را می‌زنند، مجروح میکنند، خانوادها را وادار بفرار میکنند، تااراضیشان بساط حکمرانی وغارتگری‌را بتواند ادامه دهد. آنها برای مرعوب‌کردن مردم همه‌روزدرمحل‌قدرت- نمائی میکنند، رژه می‌روند، بطوری که عواقب وخیمی در انتظار اهالی است...

جوانانی‌که اطلاعیه «انجمن اسلامی بایکلا» را برای‌ما فرستاده‌اند، درنامه خود چنین‌توضیح‌داده‌اند: «دهقانان بایکلا و منجمله جوانان زحمتکش ده،برای‌تظلم وداد‌خواهی بارهابه‌دادگاه انقلاب بابل‌آمدند. اما مالکان وخودفالها در دادگاه انقلاب نفوذ این‌طریق حرف‌حق خودرابکرسی بنشانند، آزادی خوار وبیمقدار معرفی میشوند، مثل اینکه برای انقلاب هم باید ازآنها کسب‌اجازه کند.

درغرب فریاد برآورده‌اند که تصرف سفارت درست و معقول نیست.!ماایین آمریکاست‌که نوع جدیدی ازدیپلماسی‌وارزیابی آورده وماموران سیارا با گذارنامه‌های سیاسی «مامور کشتار دولت - مردان وسیاستمداران کشورهای دیگر میکند، آیااین معقول‌است؟ وقتی دژخیمان ساواك‌وخشیانه دهها هزاران رادر سردهای شکنجه نابود میکردند این سفراو ماموران ویژه کجا بودند؟ آیا بخوبی ازاین جنایات‌آگاه بودند، چه این وسائل طریف و دقیق شکنجه دردنیای غرب تهیه و فروخته میشد. اکنون که چندتن از این دژخیمان بدست عدالت سپرده شده‌اند روزه کشان‌برای بشریت شکوه سر می‌دهند و بطبوعات آلمان غربی، آمریکارا بادادگاه نظامی‌نشان دادن ضرب شست بر می‌انگیزند وخاطرات را جدال بین غول و کوتوله نام می‌نهند، عادت کرده‌اند مردم، را بگروه غارتگر شدو بزرك‌وکوچك تقسیم کنند، اگرکوچك از حق خود دم برآورد عرظلمی درحق او روا است وبا سلاحهای خوفناك تهدیدش میکنند، کسی نیست زیر گوش آنها بخواند‌که زمان آن بسرآمده ودرسی که کوبا در خلیج خوکها به‌کندی داد باید آوازه گوش باشد.»

مقایسه برخورد واشنگتن‌پست ومجموعه بطبوعات ورسانه های گروهی غربی و نوشته هرویزون وسایر بطبوعات‌ورسانه‌های گروهی کشورهای سوسیالیستی، ضمنا نشان میدهد که دوستان‌ودشمنان انقلاب ایران کیستند ؟

خبرگزاریها خبر دادند که «واشنگتن پست» ازروز پیام **امام** خمینی بمناسبت میلاد مسیح رسما خودداری کرده است. این روزنامه که از بانفوذترین ارگان های «دموکراسی غربی» است، حتی خاطر نشده است بعنوان اگهی پیام امام رابکوش مردم امریکا برساند، البته پیام پرمغزرهبر انقلاب اسلامی ایران پیامی است «ازول برخاسته که برول نشیند» پیام دل با دلهاوحسهائی که بظلم عدالت اجتماعی واحقاق حقوق ازدست رفته ستمدیدگان همه ادیان، وملل میطپد، باین قبیل وسائل ارتباط جمعی، مستکبران بین المللی احتیاجی ندارد، صحبت باربر سر ماهیتواقعی «دموکراسی غربی» است، که هنوز هم بعضی محافل ایرانی بدان دل بسته‌اند. روزنامه «واشنگتن پست» درجواب نامه نماینده ایران بوده صراحت گفته است که پیام ها با سیاست روزنامه مطابق نیست . اینجست که «دموکراسی غربی» - این پوشش سیاسی منافع غاصبانه انحصارات امپریالیستی - بیکباره نقاب ازچهره کریه خود بر میدارد وهرگونه پرده استتار «بیطرفی» و «واقع‌نگاری» رابکنار میزند. بجاست دراین‌باره، نوشتهٔ بحق هفته نامه «هورزون»چاپ‌جمهوری‌دمکراتیك آلمان رابخاطر آوریم، که نوشت: «اگرامام خمینی دستورمیدادند درمساجد اعلام شود که سیستم سیاسی آزاد غرب باید جای جمهوری اسلامی رابگیرد، که آمریکا دوستدار بشر آستوفت رابدیدای غرب سرازیر کنند، که شورای انقلاب را منحل و شاه مخلوع رابرافیان اورا ببخشند و به خدایشان واگذارند، آنوقت وسائل ارتباط جمعی آمریکا و آلمان‌غربی‌اورا دوتوردی‌خرده‌ند، سیاستمدار وهوشمند و قدیمی ایران فرمان رامی‌بردند، بحبوب ترین و هوشیار ترین مردم روی زمین میشدند، اما حالا که امام خمینی مداخلات مستمر آمریکا رادر امور داخلی ایران برملا و او را وادار میکند، که قصد دارد انقلاب ایران راخفه کند و شاه مخلوع رامی‌خواهد بعدالت بسپارد، متعصب، قرون وسطائی وخرفات‌وچون نمیخواهدهموطنان رادردسر بیستم آمریکاپستی‌ببینند، متهم میشود که کشوررابنابودی میکشند، حالا که مردمی سالها غارت شده ویجان آمده سفارت آمریکارا تصرف میکنند تا به ایران طریق حرف‌حق خودرابکرسی بنشانند، آزادی خوار وبیمقدار معرفی میشوند، مثل اینکه برای انقلاب هم باید ازآنها کسب‌اجازه کند.

درغرب فریاد برآورده‌اند که تصرف سفارت درست و معقول نیست.!ماایین آمریکاست‌که نوع جدیدی ازدیپلماسی‌وارزیابی آورده وماموران سیارا با گذارنامه‌های سیاسی «مامور کشتار دولت - مردان وسیاستمداران کشورهای دیگر میکند، آیااین معقول‌است؟ وقتی دژخیمان ساواك‌وخشیانه دهها هزاران رادر سردهای شکنجه نابود میکردند این سفراو ماموران ویژه کجا بودند؟ آیا بخوبی ازاین جنایات‌آگاه بودند، چه این وسائل طریف و دقیق شکنجه دردنیای غرب تهیه و فروخته میشد. اکنون که چندتن از این دژخیمان بدست عدالت سپرده شده‌اند روزه کشان‌برای بشریت شکوه سر می‌دهند و بطبوعات آلمان غربی، آمریکارا بادادگاه نظامی‌نشان دادن ضرب شست بر می‌انگیزند وخاطرات را جدال بین غول و کوتوله نام می‌نهند، عادت کرده‌اند مردم، را بگروه غارتگر شدو بزرك‌وکوچك تقسیم کنند، اگرکوچك از حق خود دم برآورد عرظلمی درحق او روا است وبا سلاحهای خوفناك تهدیدش میکنند، کسی نیست زیر گوش آنها بخواند‌که زمان آن بسرآمده ودرسی که کوبا در خلیج خوکها به‌کندی داد باید آوازه گوش باشد.»

مقایسه برخورد واشنگتن‌پست ومجموعه بطبوعات ورسانه های گروهی غربی و نوشته هرویزون وسایر بطبوعات‌ورسانه‌های گروهی کشورهای سوسیالیستی، ضمنا نشان میدهد که دوستان‌ودشمنان انقلاب ایران کیستند ؟

دختران خردسال ده درصندوق خانه‌ای، که به‌کارگاه قالیبافی تبدیل شده ، قالی میبافند

لیست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

دکتر باهنر:

بخش عظیمی از رهبری بردوش خودمردم است

• یکی از بزرگترین پشتوانه‌های انقلاب ما نیروی آگاه و رشد یافتهٔ ملت ما است. در انقلاب ملت ما ساخته شدند و بخش عظیمی از رهبری بر دوش خود مردم است. این مردمند که تصمیم میگیرند و کارآئی رهبری امام هم در همین است که وقتی در جهت خاص و ارادهٔ مردم و همگام با مردم حرکت کرده‌اند، اما در جریان مبارزه هم بخوبی احساس میکردیم که این ملت بودند تصمیم میگرفتند و حرکت می‌کردند و مقاومت میکردند. گذشته از این افراد و گروههایی هم هستند که‌می‌توانند یار رهبری را بدوش بکشند. منتها ما با وجود شایستگی‌های فوق‌العاده‌ای که از لحاظ رهبری در امام‌سراغ داریم بمصلحت انقلاب را در این می‌بینیم که‌ملت با رهبری متمرکز و واحد امام بسیج خود را ادامه بدهد. در هر حال برای آینده نگرانی وجود ندارد و چون ملت با تصمیم گرفته است تا آزاد زندگی نماید و کشورش را بسازد و با ظلم و استعمار و سلطه‌پیگانه مبارزه نماید، ملت راه خود را یافته است و با مطمئن هستیم که این ملت در تمام فراز و نشیبهای آینده انقلاب خویش می‌تواند به آرمانهای خود دست یابد.

(جمهوری اسلامی، ۳ دی)

مصوبات قانون اساسی در بارهٔ ملی کردن بازرگانی خارجی سریعاً باید اجرا شود

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بازرگانی خارجی را ملی اعلام داشته است. درمصاحبه سوم دیماه ابوالحسن بنی‌صدر، سرپرست وزارت دارائی و امور اقتصادی، که انتظار میرفت اجرای این امر فوق‌العادهٔ مهم و حیاتی اعلام گردد، اشاره بسیار مختصری به این موضوع شد. آقای بنی‌صدر، چنانکه روزنامه جمهوری اسلامی (۳ دیماه) نوشته است، درباره بازرگانی چنین گفت:

«دراین خصوص کار به‌این سادگی که شرح دادیم نیست. درتجارت وضع غیرازاین است. باقانون اساسی که ازتصویب گذشته، تجارت خارجی ملی اعلام‌شد. یعنی خود دولت به این کار مبادرت‌خواهد کرد ودستگاه‌های مسئول باید‌خودشان را باقانون اساسی‌منطبق نمایند واگر این‌اصل قانون اساسی بسرعت پیاده شود، بزودی همه‌کنترل را بدست می‌آوریم و آن‌وقت میتوانیم به‌مرزها بگوییم روی قرار وقاعده‌عمل کنید. اما درحال‌حاضر آنچه به‌بازرگانی خارجی مربوط میشود، یک عمل موقتی است.»

ما هنوز آن نداریم که وجودابهام بسیار در گفته سرپرست وزارت دارائی وامور اقتصادی را در مورد مسئله مهمی نظیرملی‌کردن بازرگانی خارجی مورد بحث قرار دهیم. فقط باید باتاسف فراوان خاطر نشان سازیم که درچنین مسئله حیاتی، کار را به امروز وفردا انداختن، تحت عنوان این‌که، «کار به‌این سادگی... نیست» و باین اظهار که، «اگر این اصل قانون بسرعت پیاده شود...» اجرای قانون اساسی را تحت علامت سئوال قرارداده‌اند، دربی تفاوت ماندن دربرابر مرزهای باز از نظربازرگانی خارجی، به این دلیل که، «آنچه به‌بازرگانی خارجی مربوط میشود، یک عمل موقتی است»، درشان دولت انقلابی نیست، زیرادولت انقلابی ویک‌یک وزرا وسرپرستهای وزارتخانه‌ها در سرعت‌بخشیدن به‌اجرای کامل قانون اساسی ویک یک مواد آن مسئولیت خطیری‌بعهده دارند‌این‌چنین برخودداری به مسائل حیاتی ومهم‌ودرجه اول مملکتی، تنها میتواندبه‌زیان‌انقلاب تمام شود.

۱ نقش بازرگانی خارجی در اقتصاد جهانی

ب ازرگانی خارجی از دیرباز درسوت دوشیدن قوانین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی تاثیر شگرف داشته‌است. بازرگانی‌خارجی اززمانهای دور معمول بوده وموجبات رشد تولیدکالائی وکالا - پولی رادرشیوه های تولید، مقابل‌سرمایه‌داری‌باعث‌شده است.

بازرگانی خارجی وپیدایش بازار جهانی (درقرن ۱۶ و۱۸ میلادی) موجبات استقرارشیوه‌تولید سرمایه‌داری را فراهم آورد. بازرگانی خارجی در دوره سرمایه‌داری، بویژه سرمایه‌داری صنعتی، مقیاس‌عظیم‌بخودگرفت. هنرمان بایدپایش کشورهای سرمایه داری رشد یافته، بازرگانی‌خارجی به‌اهرم مهم‌تاثیر اقتصاد سرمایه‌داری بر کلیه کشور های جهان تبدیل گردیده.

دردوران قبل از پیدایش سرمایه انحصاری، بازرگانی خارجی رشد نامموزون وسریعی پیداکرد. درفاصله ۸۰ سال، از ۱۸۰۱تا۱۸۸۱، حجم‌بازرگانی درجهان ۱۰ برابر گردید. در این‌دوران بویژه، انگلستان درباز‌ار بین‌المللی نقش فائق داشت.

دردوران امپریالیسم،بازرگانی خارجی برای‌پیدایش انحصارها یاکیفیات جدیدی هم‌راه‌گشت. سرمایه‌های انحصاری از زیاده‌پی به‌کمک بازرگانی خارجی، سیاست تجارتی همه‌جانبه‌ای را به اجرا گذاشتند، صدور سرمایه به‌خارج صدور کالا به‌اهرمهای عمده‌بازرگانی خارجی به منظور تصاحب بازارهای غیرغارت، منابع موادخام کشورهای مستعمره و وابسته تبدیل‌گردید.

در دوران نو استعمار، که در آن امپریالیسم آمریکا وانحصارات آن نقش مهم در بازرگانی خارجی و تجارت بین‌المللی در جهان سرمایه‌داری ایفا میکنند، همه‌کشورهای درحال رشد در معرض‌تهاجم شدید کلیه‌دول امپریالیستی، غارت ثروت و منابع خویش بوسیله انحصارات سرمایه‌داری از راه تسلط بازرگانی خارجی خود قرارگرفتند.

محافل امپریالیستی مدعی هستند که بازرگانی خارجی اهرم تقسیم‌کار در مقیاس بین‌المللی بوده و این تقسیم‌کار به نفع اقتصاد ملی است. این ادعا از جانب بورژوازی امپریالیستی به‌هرچه حقیقت ندارد. واقع‌این است که‌بازرگانی خارجی در جهان سرمایه‌داری موجب تقسیم‌کار ناقص‌الخلقه، غیرعادلانه‌تو ناپراهر بوده است. دراین‌تقسیم‌کار، دریکطرف، معدودی دول پیشرفته سرمایه‌داری‌قرار گرفته‌اند، که تولیدصدورکالاهای‌ساخته شده (بویژه ماشین وابزارآلات صنعتی) را دردست خود متمرکز نموده‌اند، در جانب دیگرگروه عظیمی کشورهای عقب مانده ودرحال رشد هستند، که بصورت تولید وصادر کننده موادخام کشاورزی، صنعتی و وارد کننده‌کالاهای صنعتی، باقی مانده‌اند. تقسیم‌کار سرمایه‌داری و بویژه امپریالیستی ونواستعماری باعث‌شده‌است که‌کشورهای مستعمره و وابسته به‌ازاءده تولید مواد خام و مصرف‌کننده‌کالاهای صنعتی دول پیشرفته سرمایه‌داری بدل شوند.

بازرگانی خارجی وتسلط برآن‌در دوران امپریالیسم ونواستعمار به‌اهرم مهم استثمار میلیاردها سکنه کشورهای درحال رشد بدل‌گردیده است. بااستفاده ازمبادله نابرابرکالا (فروش‌کالاهای صنعتی به‌قیمت‌گران وخرید موادخام به قیمت‌های نازل) وصدور سرمایه به‌اشکال مختلف، دول وانحصارات امپریالیستی، راهزنانه تمام هستی ملل‌کشورهای در حال رشد را بغارت برده ومیبرند.

نقش استفاده از اهرم بازرگانی خارجی به منظورغارت ثروت واستثمار کشورهای درحال‌رشد، بویژه‌پس‌ازجنگ دوم جهانی، افزایش فوق‌العاده پیدا کرد. حجم‌مبادلات بازرگانی در جهان سرمایه‌داری‌دراین‌سالهای ۱۹۵۰تا۱۹۶۹، از ۱۱۳ میلیارد دلاربه ۴۹۳ میلیارد دلارافزایش یافت. هم‌کشورهای‌درحال رشد دراین ارقام، طی‌همین‌سالها، ارقامی برابر ۳۵ و ۹۹ میلیارد را تشکیل میدهند، که بیانگرعقب‌ماندگی کشورهای درحال رشد بطورکلی وسهم نازل آنان در بازرگانی جهانی بالاخص است.

در بازرگانی خارجی در جهان سرمایه‌داری، درچنددهه‌اخیر، تحولات دیگری نیز بزیان کشورهای درحال‌رشد صورت‌گرفته است. ازآنجا که با خروج تعدادی ازکشورهای درحال‌رشد‌ازحیطه بازارسرمایه‌داری، تعداد این کشورها روبه‌کاهش است، به فشار اقتصادی غارتگرانه امپریالیسم برمجموعه کشورهای درحال‌رشدی‌که درحیطه‌تسلط بازارجهانی امپریالیستی باقی‌مانده‌اند، افزوده شده است. بعلاوه در ترکیب صدور کالا نیز ازکشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به کشورهای عقب‌مانده، تغییرجدی‌درجهت افزایش‌صدورکالاهای کشاورزی ومواد خام‌به این کشورها و تبدیل برخی از کشورهای امپریالیستی مانند آمریکا به صادرکننده محصولات کشاورزی صورت گرفته، که ضربات جدی‌تری رابه اقتصاد ملی‌کشورهای در حال رشد وارد ساخته است. همچنین پیدایش سرمایه‌داری انحصاری دولتی، بادورست داشتن اهرمهای عمده‌ای نظیر سرمایه‌های بانکی و اعتباری وپیدایش انحصارات چندملیتی‌ازعوامل‌بغارت‌میرود که‌استفاده‌ازاهرم‌بازرگانی خارجی‌رابسود دول‌امپریالیستی‌وبزیان کشورهای‌درحال رشد، بیشترمورد استفاده قرارداده است. ما شاهد و ناظر آن هستیم که پیدایش گروه‌بندیهای اقتصادی و مالی دول امپریالیستی، نظیر «بازارمشترک»، از ۱۹۵۹ به‌این طرف نیزموجب‌آن بوده است‌که فشار شدیدتری ازراه بازرگانی خارجی به اقتصاد ملی‌کشورهای درحال رشد، منجیله‌کشورما ایران، واردآید ومجموعه اقتصادملی‌ما بامشکلات‌عظیمی مواجه‌گردد.

۲ نقش بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران دردوران تسلط استعمار، امپریالیسم و نواستعمار

ایران در دو قرن گذشته نمونه‌کلاسیک ایراد فشاروغارت اقتصادی از جانب سرمایه‌داری و امپریالیسم از راه بازرگانی خارجی به اقتصادملی خود بوده است. ماازبحث تفصیلی در این‌موضوع بی‌نیاز هستیم، زیراهمگان بااین وضع‌کم ویش‌آشنائی دارند. با این وجود برخی تاریخی وفهرست‌وار از ضربائی که سرمایه داری در دوران تسلط استعمار، امپریالیسم ونواستعمار، با استفاده از تسلط خود بر بازرگانی خارجی به اقتصادکشورما وارد آورده، برای آشنائی عموم بااین مسئله بی مناسبت نیست.

کشور ما ایران تادوران پیدایش و استقرار سرمایه‌داری در کشورهای پیشرفته اروپائی، در مدار اقتصاد بسته خودبودوتولیدکالائی‌رشیوه‌تولیدارباب‌ـ رعیتی از خودکفائی نسبی برخوردار بود. مانه فقط مایحتاج اولیه وابتدائی زندگی را درداخل کشور خود تولید میکردیم، بلکه ازصادرات مصنوعات نسبتا پیشرفته وسیعی که صدور پارچه‌دستی آن قرار داشت، برخورداربودیم. از اوائل قرن نوزدهم صدور کالاهای انگلیسی بتدریج بی‌تولیدمصنوعات‌سنتی درکشور ما اثر میگذارد، بطوریکه در اواسط آن قرن، واردات منسوجات انگلیسی، اقتصادپیشه‌وری‌ـ ما تپنا کتوری ایران‌اندازدزمینه‌تولید وصدور پارچه و برخی مصنوعات دیگر بخارج، بکلی درهم میریزد. درسالهای ۱۸۷۰ ـ ۱۸۷۹ ـ بنوشته ضرابی کشائی ـ کارگاههای تولیدپارچه کشان‌که قبلا درهریک از آنها تا بیش از صدنفر بکار مشغول بودند، دیگراز بین رفته بودند.

اواخر قرن نوزدهم، کشورما به فقط به واردات مصنوعات مصرفی از اروپا محتاج میشود، بلکه بتدریج بصورت کشور صادرکننده مواد خام کشاورزی مورد‌نیازبازارجهان سرمایه‌داری درمیآید. درزیگارشی بیشتر واردات کالا از خارج، جلوگیری ازرشد واقعی صنعتی وتسریع دررشد نهادهای سرمایه داری وابسته سوق داوند.

دراین دوران تسلط بر بازرگانی خارجی به اهرم عمده غارت ثروت‌ودرآمد ملی ایران ازطریق عدم موازنه خارج ـ العاده بسود واردات وزیان صادرات و فروختن گران کالاهای صنعتی وارداز وخریدن ارزان مواد خام صادراتی، ترویج وترغیب مصرف لوکس وغیرضروری در ایران ونظایرآن بدل گردید. گزارجنائی رسیدکه مثلا واردات ایران درسال به مبلغ ۱۵ و ۱۶ میلیارد دلارافزایش یافت، حال آنکه رقم صادرات کشور هیچگاه از ۶۰۰ میلیون دلار تجاوز نکرد.

چنانکه سرپرست وزارت امورواقتصادی ودارائی ـ درمصاحبه خود فاش ساخت، در معامله ۴۰ میلیارد دلاری فروش کالا به ایران، آمریکا حتی حق انتخاب نوع کالا رانیز بدولت شاه مخلوع نداده بود. چنین عدم موازنه و تحمیلاتی در بازرگانی خارجی دراقتصاد جیب کشورو سابقه نداشت. کالاهای پرزرق و برق مصرفی، که ویترین مغازه‌های ایران را دردوران طاغوت زینت میداد واکنون هم آثار وعلائم آن باقیست، درهیچ کشوری حتی جهان‌کشورهای پیشرفته‌تدمیر باید‌ارا مشاهده نمیشد، رژیم طاغوت افتخارمیکرد که دربازارهای فیهان لوکستر‌ین‌اجناس مصرفی ازهمه کشورهای جهان رامیتوان خرید. سران این رژیم دست نشانده توجه‌داشتندکه بااین‌ادعای سخیف‌بسلب به خیانت خود به اقتصاد ملی ایران اعتراف میکنند.

دردوران تسلط امپریالیسم ونو ـ استعمار دردریچه قرن پس‌ازکودتا، نه فقط همان قانون ناقض انحصار بازرگانی خارجی ۱۳۰۷ زیرپا گذاشته شد، بلکه سیاست بازرگانی آزاد ودروازه‌های باز تماموکمال بقدرفته شد وبهسورت قانون درآمد. به‌این ازاین سیاست تدنیها بازار ایران، بلکه بازارسرمایه و پول ایران‌در برابر تهاجم همسلوول امپریالیسم، انحصارات فارتگرآن باز گذاشته‌شد. تعدادنابینندگیهای بازرگانی دول امپریالیستی درباز‌ار این‌ن ازحد شمارش فزون‌گشت. اینان آنچنان بجان اقتصاد رضاخان، تادوران ملی شدن نفت، باوجود مشکلات بسیار، کوششهای موثری از جانب مردم وسازمانهای مترقی، درجهت بازگردانیدن استقلال به‌بازرگانی خارجی ایران صورت میگیرد. بخصوص‌دردوران ملی شدن نفت، باطرح‌وتسلط امپریالیسم انگلیس وشرکت غاصب سابق نفت، زمینه مساعدی برای انحصار واقعی بازرگانی خارجی واستفاده ازاین اهرم بسود رشد اقتصاد ملی بدست می‌آید. بخاطر آوریم که درهمان دوره دوساله نیمه ملی شدن نفت، بازرگانی خارجی ایران‌که تعادل خودرا درزمینه‌صادرات وواردات بکلی ازدست داده بود، متوازن گردید واجراء قانون انحصار بازرگانی خارجی بدست دولت ملی مصدق، نتایج بسیار مفیدی درزمینه راهگشائی برای رشدآینده اقتصادایران‌فراهم‌آورد. ادامه این وضع میتوانست اثر مطلوبی بر رشد اقتصادیک اجتماعی کشورما ایران بگذارد. لیکن دول امپریالیستی ازجمله ازهمین تالم نگران بودند وباقدام به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اوضاع رابحال سابق‌بازگرداندند. کودتاتسلط‌امپریالیسم را برهمه مواضع اقتصادی درکشورما از نو برقرار کرد. ازجمله اهرم عمده ای مانند بازرگانی خارجی مجددا بدست دول امپریالیستی ، بویژه امپریالیسم امریکا افتاد، که درربع قرن اخیر عامل اساسی غارت‌اقتصادی‌واسارت‌امپریالیستی ونواستعماری کشورما بوده است.

تسلط دول امپریالیستی بر بازرگانی خارجی ایران درادوار قبل‌نیز زیان های عظیمی برای اقتصاد ایران ببار آورده بود، لیکن دردریع قرن اخیر ، که امپریالیستهای امریکا چلوبار غارتگران امپریالیستی درایران بودند، تسلط بر بازرگانی خارجی ایران زیانهای‌جبران‌ناپذیر بر اقتصاد ملی ایران وارد آورد.

مطلب تنها برسر آن نیست که با استفاده ازتسلط بر بازرگانی خارجی ، دول امپریالیستی طی ربع قرن اخیر کلیه درآمدهای نفت مارا بطرق گوناگون غارت کرده، ایران راوسیله به بازار فروش کالاهای مصرفی صنعتی‌خود تبدیل نمودند وحتی باتخریب درآمد کشاورزی، مارا محتاج خرید محصولات از خارج ساختند. مطلب عمده‌تر بر سر آستکه بادورست داشتن اهرم‌سیمی نظیربازرگانی خارجی، دول امپریالیستی، ودرنوبه اول امپریالیسم آمریکا، اقتصاد ایران رادر جهت وابستگی بیشتر واردات کالا از خارج، جلوگیری ازرشد واقعی صنعتی وتسریع دررشد نهادهای سرمایه داری وابسته سوق داوند.

دراین دوران تسلط بر بازرگانی خارجی به اهرم عمده غارت ثروت‌ودرآمد ملی ایران ازطریق عدم موازنه خارج ـ العاده بسود واردات وزیان صادرات و فروختن گران کالاهای صنعتی وارداز وخریدن ارزان مواد خام صادراتی، ترویج وترغیب مصرف لوکس وغیرضروری در ایران ونظایرآن بدل گردید. گزارجنائی رسیدکه مثلا واردات ایران درسال به مبلغ ۱۵ و ۱۶ میلیارد دلارافزایش یافت، حال آنکه رقم صادرات کشور هیچگاه از ۶۰۰ میلیون دلار تجاوز نکرد.

چنانکه سرپرست وزارت امورواقتصادی ودارائی ـ درمصاحبه خود فاش ساخت، در معامله ۴۰ میلیارد دلاری فروش کالا به ایران، آمریکا حتی حق انتخاب نوع کالا رانیز بدولت شاه مخلوع نداده بود. چنین عدم موازنه و تحمیلاتی در بازرگانی خارجی دراقتصاد جیب کشورو سابقه نداشت. کالاهای پرزرق و برق مصرفی، که ویترین مغازه‌های ایران را دردوران طاغوت زینت میداد واکنون هم آثار وعلائم آن باقیست، درهیچ کشوری حتی جهان‌کشورهای پیشرفته‌تدمیر باید‌ارا مشاهده نمیشد، رژیم طاغوت افتخارمیکرد که دربازارهای فیهان لوکستر‌ین‌اجناس مصرفی ازهمه کشورهای جهان رامیتوان خرید. سران این رژیم دست نشانده توجه‌داشتندکه بااین‌ادعای سخیف‌بسلب به خیانت خود به اقتصاد ملی ایران اعتراف میکنند.

دردوران تسلط امپریالیسم ونو ـ استعمار دردریع قرن پس‌ازکودتا، نه فقط همان قانون ناقض انحصار بازرگانی خارجی ۱۳۰۷ زیرپا گذاشته شد، بلکه سیاست بازرگانی آزاد ودروازه‌های باز تماموکمال بقدرفته شد وبهسورت قانون درآمد. به‌این ازاین سیاست تدنیها بازار ایران، بلکه بازارسرمایه و پول ایران‌در برابر تهاجم همسلوول امپریالیسم، انحصارات فارتگرآن باز گذاشته‌شد. تعدادنابینندگیهای بازرگانی دول امپریالیستی درباز‌ار این‌ن ازحد شمارش فزون‌گشت. اینان آنچنان بجان اقتصاد ایران افتادند وآنچنان به‌نفوذ دراعماق اقتصاد ایران پرداختند، که حدی بر آن متصور نبود.

رخنه امپریالیسم ونو استعمار در بازرگانی ایران نه‌فقط ازمرز تسلط کامل بربازرگانی خارجی درروست فراتر رفت، بلکه امپریالیسم بخش مهمی از بازرگانی داخلی را نیز بدست‌گرفتو حتی نامنادرهای بقالی وعطاری سرگذر نیزرخنه کرد. باوجود چنین‌وضعی، اگر اقتصاد ملی ایران ازپادرنمیآمد وبه بحران‌عدم تعادل شدید درهمه‌زمینه‌های صنعتی، کشاورزی وخدمات‌نمیانجامید، البته‌جای تعجب‌بود. ماتنها نه‌این‌وضع‌را درتابستان ۱۳۵۶ در زمان هویدا، ودر تابستان ۱۳۵۶ درزمان آموزگار، در عدم تکافوی برق‌برای مصرف بخوبی مشاهده‌کردیم. پیدایش عدم‌تعادل‌وتوازن فلاکت‌بار ومدهش دراقتصاد ملی ایران نتیجه‌منطقی وناگزیر تسلط‌امپریالیسم ونواستعمار برهمه‌شئون اقتصادی کشور، منجمله وبویژه‌بی‌بازرگانی‌خارجی‌ایران بود.

از آنچه به‌اختصار و فهرست‌وار بیانشد، دیده‌میشود که‌استقلال بازرگانی خارجی برای‌یک‌کشور چه اهمیت فوق‌ـ العاده‌ای دارد وملی‌کردن این‌رشته‌مهم‌از فعالیت‌اقتصادی، ازنظر پایان‌دادن به‌وضع فلاکت‌بار گذشته، ترمیم‌خرابیهای‌موجود وتبدیل‌به اقتصاد شکوفان ملی‌حائز چه اهمیت‌عظیمی ـ است. بهمین‌جهت است‌که، ماچنانکه دراپتدای این نوشته اشاره کردیم، نتوانستیم ازاینکه‌مقامات دولت جمهوری اسلامی نسبت‌مسئله مهمی‌را تاحال حل‌نشده باقی گذاشته‌موسف‌نوشت آنرا‌اگرومگر سپرده ومیماندند‌ابراز تاسف‌عمیق نکنیم.

۳ اهمیت اصل ملی کردن بازرگانی خارجی در قانون اساسی

پروژی انقلاب عظیم ضد امپریالیستی وخلقی ایران واستقرار جمهوری اسلامی امکانات و فرصتهای مساعدی برای اتخاذ یک‌رشته تصمیمات بنیادی درزمینه دگرگونی ونوسازی اقتصاد ملی ایران برپنیان تأمین استقلال اقتصادی بوجود آورده است. بدرستی‌میتوان‌گفت اتخاذ این‌تصمیمات واجرای آنها‌چنانچه ضامن مطمئن ومعتبر تحکیم استقلال سیاسی وارتقاء انقلاب میباشد، بحق‌مهم‌است، یعنی نیل به‌همان هدفهائی‌که توده‌های زحمتکش مردم ایران میخواهند وامام خمینی بسرحرکت سریع در آن جهت تاکیدداردند. ملی‌کردن بازرگانی‌خارجی وتعمیق سریع‌این‌امرمهم یکی‌ازتصمیمات نهادی وبنیادی درامر دگرگونی‌اقتصاد ملی ایران است‌که محتاج عمل سریع، قاطع وبدون وقفه است.

ملی‌کردن‌بازرگانی‌خارجی ایران، که‌اکنون قانون اساسی جمهوری‌اسلامی آنرا تصویب‌کرده وبعنوان‌وظیفه مهمی، تحقق آنرا دربرابر اجرای‌اجرائی دولت انقلابی قرارداده است، قبل‌ازهمه ازنظر پایان‌دادن‌بسریع تسلط‌امپریالیسم برایران‌اقتصاد ایران ضرورت دارد. به‌نیزاز بردیل ملی‌شدن بازرگانی‌خارجی، کلیه قوانین‌وآئین‌نامه‌های‌ناقض‌انحصارودولتی بازرگانی، که تعداد آنها بسیار است، سریعاً باید افشاء ولغوگردد. همچنین باید بمعهده‌دولت‌که‌شرکتهای خارجی پرداخته شود، که‌بازرگانی‌خارجی‌ایران را دردست خود قبضه‌کرده وحتی تاغوذ دربنکها‌ایهای سرمحل تسلط خودرا بسط داده‌اند. کلیه قبضه‌کالائی کشورکه از خارج واردشده‌میشود، بایدبدون‌تاخیر دراختیار دولت قرارگیرد.

امر اخیر نیز از نظر مصادره قانونی شرکتهای‌بازرگانی‌خارجی‌ضرور نیست. ضرورت این امر درلحظه کنونی بویژه ازنظر جلوگیری ازخیده میل ذخایرکالائی واستفاده از آن درمقابله با تهدید امپریالیسم آمریکا به محاصره اقتصادی‌ایران‌ضرور است. مگرمقامات دولت جمهوری اسلامی نمیدانند‌که عوامل وابسته به امپریالیسم، بویژه‌انحصار کمپادرند حادی بین‌ملت‌ما و امپریالیسم درگرفته، سعی‌خواهندکرد از اهرم تسلط خود بربازرگانی خارجی ذخائرکالائی وارداتی سوءاستفاده نمایند، ویا گران‌ـ فروشی وایجاد بازارسیاه واحتکار دراین زمینه از نو امر بازرگانی به تصرف دولت انقلابی‌داد وبیک مبنی‌بمصادره‌قوه‌وابسته بازرگانی پرداخت. نمیتوان به خاطر نداشت‌که این نهاد اجتماعی درجامعه ایران همیشه درجهت‌ضدانقلاب‌فرادادشته امپریالیسم وبورژوازی عمده تجاری وابسته به‌آن درایجاد اختلال در اقتصاد ایران بازگذاشته شود!

تسریع در اجرای اصل ملی‌کردن بازرگانی خارجی ایران همچنین‌ازنظر پایان دادن فوری بوضع کنونی تاسامان بازرگانی خارجی ضروراست. باید در اسرع وقت به‌این‌وضع که بین‌واردات و صادرات هیچ‌تناسب معقولی وجود ندارد، خاتمه داده شود، بایدبحرجسیم‌تر بازرگانی‌خارجی‌ایران‌ازاینحدرودول امپریالیستی‌درآید، به‌تسلط‌امریکابربازرگانی خارجی ایران پایان داده‌شود، ودر بازرگانی خارجی ایران در بازار بین‌المللی، بسود بازرگانی برابر با کلیه کشورها، تثبیت‌بنیادی ایجاد گردد، بایدبسرعت به اجرای آن اصولی دربازرگانی خارجی ایران پرداختشود که‌بما امکان میدهد درهرابر خریدکالاز خارج، بازارهای مناسب برای‌صادرات خودبدست آوریم. اجرای‌همه این‌ها مشروط به‌انجام اقدامات سریع درزمینه ملی‌کردن بازرگانی خارجی است.

بازرگانی خارجی همانطورکه در زمان طاغوت اهرم عمده‌ای بسود برای تخریب امپریالیستهادراقتصادملی‌ایران، باتسلط دولت انقلابی میتواند و باید بعنوان اهرم عمده‌ای برای مرمت‌فوری خرابکاریها ونوسازی اقتصادملی بکار رود. اجرای سریع و بدون وقفه اصل ملی‌کردن بازرگانی خارجی ازنظر جلوگیری‌ازاقتصاد ازنو بصورت اقتصاد مصرفی وابسته وقرارادادن آن بربنیاد اقتصاد تولیدی و مستقل وقائم بالذات ضرور است. ملی‌کردن‌بازرگانی خارجی اهرم مهمی به‌منظورتسریع‌دررشد صنعتی‌کردن واقعی‌کشور، وایجادگذاری رشته‌های مهم صنایع مادر، مکانیزه‌کردن تولید کشاورزی وتغییرات بنیادی در خدمات بسود رفاه‌کل جامعه‌بشمارمیرود ملی‌کردن بازرگانی خارجی‌هم‌چنین از نظر ازبین بردن سریع عدم تعادل در رشته‌های مختلف اقتصادی ضرور است، که میراث شوم رژیم‌گذشته است ولیکن پس‌از دیگری مشکلات‌گوناگون ببار آورده ومیآورد. بالاخره اقدام سریع‌در زمینه ملی‌کردن‌بازرگانی خارجی‌ازنظر تغییرات بنیادی اجتماعی، که مالاتغییرات انقلاب وارتقاء آن‌بمراحل عالیتر و تضعیف هواضع ضدانقلاب‌بدرگرو آنست، ضرور است.

برکسی‌پوشیده نیست که‌بورژوازی وابسته در کشورما بوده‌است‌که‌صادرات وارادات و توزیع کالا لانه‌کرده وکمپرادر دورهای تجاری از قدیم‌الایام دشمنان شناخته شده انقلاب و استقلال سیاسی و اقتصادی‌ایران‌بوده‌اند، وملی‌کردن‌بازرگانی خارجی باید مواضع بورژوازی وابسته را زد امر بازرگانی به تصرف دولت انقلابی‌داد وبیک مبنی‌بمصادره‌قوه‌وابسته بازرگانی پرداخت. نمیتوان به خاطر نداشت‌که این نهاد اجتماعی درجامعه ایران همیشه درجهت‌ضدانقلاب‌فرادادشته ازدوقرن به‌اینطرف عامل تسلط‌اقتصادی استعمار و امپریالیسم بر کشورما بشمار میرود وهمچگاه پاتلاشهای مردم ایران بخاطرکسب استقلال و پیشرفت واقعی اقتصادی‌ـ اجتماعی سرسازش‌نداشته‌است. اصل ملی‌کردن بازرگانی خارجی‌برحل چنین مسئله مهم اقتصادی ـ اجتماعی مبتنی است و آنوقت جای‌کمال‌تاسف‌است که باوجود تصویب‌قانون اساسی، اجرای این اصل همچنان در گرو اگر و مگر است.

۴ چگونه‌ملی کردن‌بازرگانی خارجی را تحقق‌بخشیم

ملی‌کردن‌بازرگانی خارجی، یعنی تمرکز تمام‌کلیه امور مربوط به‌بازرگانی خارجی دردست‌دولت. اشکال‌سازمانی واجرای عملی ملی‌کردن بازرگانی خارجی و یا انحصار دولتی ایران‌در تبع ازقوانین وتصمیمات مهمی معین میگردد، که درزمینه خروج اقتصاد ملی ازعقب‌ماندگی وتسریع در پیشرفت آن برمبانی اقتصاد سه‌بعدی (دولتی،تعاونی، خصوصی) در قانون اساسی تصویب شده است.

این اشکال سازمانی درلحظه‌کنونی بویژه باید متوجه پایان‌دادن به تسلط امپریالیسم وعوامل آن برتوپ‌ـ بازرگانی خارجی باشد ودفاع از تولید و بازار داخلی‌را دربرابر تهاجم امپریالیستی وظیفه مهم خود تلقی نماید. باید دانست که درامر پیشرفت واقعی اقتصاد ملی برمبنای رفاه اجتماعی، و مسئله ملی‌کردن بازرگانی خارجی، بمعنی‌انحصارمطلق بازرگانی خارجی دردست دولت، نیاز قاطع دارد.

وظایفی که درشرایط‌کنونی‌دربرابر سازمانهای اجرائی ملی‌کردن بازرگانی خارجی قرار میگیرد، میتواند بصورت زیرین خلاصه‌گردد:

ـ حفظ وتأمین‌منافع‌کشوردرزمینه بازرگانی خارجی ومعاملات مربوط به خریدوفروش‌کالا دربازرگانی‌جهانی.

ـ مقدم‌قسر ساختن معاملات بازرگانی‌می‌بوط به‌خرید‌کالاهای‌ادواتی وفروش‌کالاهای «ادواتی».

ـ جداهنگ ساختن امر بازرگانی خارجی، بانیازهای رشد سریع تسولید صنعتی، کشاورزی وخدمات.

ـ پاسخگوئی بموقع به نیازهای می‌بوط به‌ادوات‌کالاهای استهلاکی تا زمانی‌که خودکفائی نسبی‌تحصیل‌نشده.

ـ ملی‌کردن، مدیریت کردن و اقتصادی نمودن امر بازرگانی خارجی، کماکالا به‌ایران‌ساختن‌معاملات‌بازرگانی وکوتاه‌ساختن دست واسطه‌ها، جلوگیری ازغارت، چپاول واحتکار دراین زمینه اساسی‌ازاقتصاد ملی منجر خواهد شد.

اختیاراتی که باید به سازمانهای اجرائی ملی‌کردن بازرگانی خارجی واگذارگردد، تا این‌امرمهم بدرستی و بسرعت به‌اجرا درآیند، میتواند بطور خلاصه شامل امورذیربن‌باشد:

ـ اختیارات‌وصلاحیت‌انجام‌معاملات می‌بوط به خرید وفروش‌کالا در بازار بین‌المللی طبق نیازهای اقتصاد ملی با دست سازمانهای بازرگانی خارجی در بازرگانی داخلی تاحدیکه برای‌انجام عملیات بازرگانی خارجی‌مفیدوضروری است باید بازگذاشته شود.

ـ اختیاراتایجاد سازمانهای مستقل وجنبی، که ازحق معاملات بازرگانی در خارج وداخل برخوردار باشد.

ـ تمرکز اختیارات می‌بوط به عملیات ارزی وارادات وصادرات در صلاحیت سازمانهای اجرائی بازرگانی خارجی.

ـ ایجاد سازمانهای نظارت بر معاملات خارجی و داخلی بازرگانی خارجی.

ـ ایجاد سازمانهای آماری، برنامه‌ریزی ونظایرآن.

باردنظرگرفتن‌وظایف واختیارات می‌بوط‌به‌امرملی‌کردن‌بازرگانی‌خارجی، **ایجاد وزارت بازرگانی خارجی** در شرایط‌کنونی ضروربنظر میرسد. این وزارتخانه با ایجادشرکتهای مستقل برای معاملات بازرگانی خارجی، که برخی ازآنها اختصاصاً به منظورخرید ماشین‌آلات صنعتی وکشاورزی ازخارج وفروش آنها درداخل ایجاد خواهندشد، (ضرور است‌که این معاملات دراختصار نوردردست دولت‌متمرکزگردد)، همچنین ایجاد شرکتهای مستقل صادراتی برای انجام مهم صادرات ایران نظیرقالی، پنبه، خشکبارودرآینده تقسیم‌وظایف خود را انجام خواهد داد.

طبیعی‌است‌که اشکال سازمانی و دستگاه اجرائی، که باید چنین‌وظایف مهمی را انجام دهد، متناسب باگسترش دامنه‌فعالیت‌آن‌وهدفهائی‌که رشداقتصاد ملی دربرابرخود خواهدگذاشت وبه‌تبع ازضرورتهای‌دیگر، تغییر وتکامل خواهد یافت. اما آنچه مربوط به‌هدفهای عمده این سازمان درنیل به تامین استقلال کامل دربازرگانی خارجی وقراردادن این اهرم مهم اقتصادی درخدمت رشد سریع اقتصاد ملی است، تغییری حاصل نمیگردد.

میتوان برسر طرق اجرائی امر مهم ملی کردن بازرگانی خارجی و نحوه‌کار وتنظیم وضع سازمانی ارگانهای اجرائی‌این‌کارمهم، دارای نظرهای متفاوتی بیان داشت، لیکن درآنچه به یقین همگان معتقدوواحدی‌دارند، اینست که: اجرای کارهای‌انقلابی را نباید به امروز و فردا موکول ساخت. ملی‌کردن بازرگانی خارجی، بعنوان یکی از اصول مهم، از تصویب قانون اساسی گذشته است. این وظیفه انقلابی بدون هیچگونه‌تاخیری باید به اجرا گذاشته شو

۵

چرا مانع تشکیل کلاسهای آموزش نظامی میشوند؟

عده‌ای ازمقامات مسئول، آگاهانه ویاناآگاهانه، باتصمیمات خود ناهمگونی‌هایی را بوجود میآورند وعملا مانع‌ازتجهیز نظامی جوانان ومردم میگردند.

یکی ازگزار

معمای یک واژه: شانتاژ

خوانندگان مردم، بارها نوشته‌اند که در مقالات ما کلماتی هست که معنای آنها برایشان بطور دقیق و جامع روشن نیست. درخواست شده است که با این گونه واژه‌ها بکار نرود و یا توضیحی در آن‌باره داده شود.

ما کوشش می‌کنیم که حتی‌المقدور از واژه های نامانوس استفاده نکنیم ولی بسیار مفاهیم و اصطلاحاتی که بکار گرفتن آنها برای بیان اندیشه‌ای ناگزیر است. پس از این پیعد، ضمن کوشش برای ساده‌نویسی و احتراز از واژه‌های دشوار، هرگاه در مقاله باصطلاحی باغیری، لغتی بود که نیاز به توضیح داشت، بطور مختصر معنای آنرا جداگانه خواهیم نوشت:

اخیرا در چند مقاله کلمه «شانتاژ» بکار برده شده است. شانتاژ یعنی اعمال فشار از طریق ارعاب و ترساندن و تهدید کردن. یا توسل به اینکه روی‌داری - راضی یا غیر راضی- با اسناد موجود یا غیر موجود، افشا خواهد شد.

مثلا کسی شما را بترساند که اگر فلان اقدام را نکنید، به شما خواهد گفت که از شما فلان عمل سر زده یا فلان عکس یا نوشته شما را بپهه نشان‌خواهد داد. ممکن است شما فلان عمل را کرده باشید یا نه، فلان‌عکس یا فلان نوشته مال شما باشد، یا نه. نفس این کار، که باتهدید به افشاء ... و نظایر اینها شما را مجبور کنند، اقدام مربوطه را انجام دهید، «شانتاژ» نامیده می‌شود.

این اعمال، فشاری است که البته اصولی نیست. زیرا اگر شما مطابق میل طرف رفتارکنید، منت مربوطه رسواگر را فاش نخواهید کرد و عمل ناشایست احتمالی را بازگو نخواهید نمود. «شانتاژ» میتواند براساس سند سازی و حمل و یا صحنه‌سازی نیز صورت گیرد، یعنی واقعی و درست نباشد. باین ترتیب طرف دستاویزی میسازد تا مرتکبا به اعمال‌فشاربرازدومیل‌وارداده خود رابقبولاند. هرکس اصولی باشد، از «شانتاژ» نمیترسد. هرکه را حساب پاک باشد، از محاسبه‌پاک ندارد و باپذیرایی از دوکردن‌استاد واهی یا جعلی واهمه ندارد. این معنای محدودی «شانتاژ» است.

در معنای وسیع‌تر سیاسی آن، امپریالیست‌ها و عمال ناپاک آنها، در سیاست‌بازی خود اکثرا به «شانتاژ» دست میزنند و برای تحمیل نظر و اراده خود به این وسیله کثیف ارعاب متوسل می‌شوند. «شانتاژ» میتواند در مورد یک فرد، یک سیاستمدار یا یک حزب، یک‌حزب و یک خلق اعمال شود، یعنی امپریالیست‌ها به‌فلک سیاستمداران و دولتمداران را با تهدید بروکسن «استاد» یا ترساندن از عواقب احتمالی یک عمل میترسانند و مجبور میکنند خواستهای‌پلید آنرا عملی سازند، بلکه علیه ملت‌ها هم «شانتاژ» میکنند، یعنی با تهدید وترساندن از عواقب یک عمل، میخواهند بسلط غارتگری و سلطه خود را دائمی سازند.

این شیوه پلید «شانتاژ» در همه صحنه‌های نظامی و اقتصادی و سیاسی اعمال میشود و ما هر روز شاهد آن هستیم کشتیهای بزرگ امریکا، در مقابله با ملت کوچک ویتنام با به «شانتاژ» دست می‌زند، ولی اینهم مسلم است که امپریالیسم امریکا در اراده خلق ما تزلزلی وارد نخواهد ساخت و شیوه «شانتاژ»آن‌هم، مانند سایر اسلوبهای‌عمل قیطنطی‌اش، کارگر نخواهد افتاد.

نگاهی به‌گالری ۱و۲ درموزهٔ هنرهای معاصر:

خون انقلاب در رگهای هنر...

موزه هنرهای معاصر، چندی است که با به نمایش گذاشتن آثار «نقاشان مبارز» عکس های گرفته شده درسال ۵۷، دیوار نوشته‌ها، ارائه کارهای گرافیک (رادیور و درم‌بخش) و طراحی‌های دانشجویان و هنرمندان جوان باز گشوده شده است. تاریخچه این موزه و نقش آن در ترویج هنر وارداتی و اینکه موظایف کنونی، آن چگونه قابل اجراست و کیاد اداره‌کننده‌اش (که هنوز از نصایح و همفکریهای مشاور هنری‌شهبانوفرح‌پرخوردار است) از. چه امکاناتی بهره‌مند، موضوع مقاله جداگانه‌ای است. آنچه که این یادداشت عهده‌دار انجام آنست، بررسی کوتاهی‌است از آثار «نقاشان مبارز»، که در گالری ۱و۲ این موزه به نمایش درآمده:

* صفرزاده

با نگاه پاس آلودش به همه چیز -حتی به شور درهم‌کوبنده و به امید بنیاد شرکن مردم در طول انقلاب‌سنفاشی آشناست. او در این موزه ۲ کار ارائه کرده، که همچنان با پرده گمترضخیم نامیدنی پوشانده شده است. در تابلویی، که دستمایه اصلی‌اش رویارویی سر-بازان مزدور «ارتش شاهنشاهی» (این مجریان نقشه‌های شیطانی زرالهای ۴ ستاره آمریکایی) با توده وسیع مردم -روحانی و کارگر و روشنفکر - است، ریتم محزون تابلو قبل‌از هر چیز پس فاعتاگر تاثیر می‌گذارد: صف ظاهر-کنندگان، شعار خوانان با دهنهای باز و بسته، پایان‌ناپذیر بنظر میرسند. ولی آنها نه‌خشم و کین و نفرت، بل انگار رنج و غم و محنت خود را به‌نمایش گذاشته‌اند. گردش قلم‌مو برای‌بازآفرینی چشم این سربازِ کلاهسبز، همانگونه بحرکت درآمده که برای تصویرکردن چشم آن زن‌چمپاز؛ زنی که صدای اعتراض و پرخاشش و بی‌پروایی فدا-کارانه‌اش درمیدان نبرد، تمامی شگرد-های مقابله خیابانی «کلاهسبزها» را نقش برآب کرد و آنها را تا سرحد جنون مستاصل ساخت. توده فشرده‌ای که سرتاسر تابلوهای صفرزاده را پوشانده، باید که نمونه مجسم خشم و عصیان و اوج‌رسیده مردمی باشد که دیگر حتی پاگ‌ام هم از خواستهای بحقشان‌عقب نخواهند نشست. در حالیکه پیشانیهای صاف و بلند، چشمهای مصمم و وزن استوار «نظام کنندگان» تابلوهای صفر-زاده، آنان رانه جمع‌شده درپرخاشی به خروش آمده می‌نمایاند، بل توده‌ای بیگانه باهم که در هیچ چیز شریک نیستند جز نگاه به روبرو، به لوله‌آماده به شلیک مسلسلهای آمریکایی.

* الخاص

تابلو از کارهایش،الهام‌گرفته از انقلاب، شرکت کرده است. او به نیت قالبد و نقد پس از انقلاب شکوهمندش به باز-آفرینی گوشه‌هایی از آن نشسته: اینجا «روری از زنان از کنار شهیدان» می-گذرند هم چهره‌پوشیده، هم «گریان»، همه فغان برآور و همه گویی مصیبت-دیده و رثای دیگر «بهترین هدایای» خود - فرزندانشان را - نثار آنها می-کنند. (از سویی «نثار» می‌کنند و از سوی دیگر به شیون می‌نشینند)و آنجا تهی از روح عصیان و مبارزه، این و آن زن «افتان وخیزان» پوشیده در غبار دودآلود یاس و درماندگی، «راهی گورستان می‌سازد تا در میان قربانیان سینما درکنی» شهید خودرا بیابند.

«و کشتیهای خود را پوشیدند و باچوب به استقبالتیر و تفنگ و سلسل‌رفتند...» تنها تابلویی است که از روح مصمم و پرخاشگر مبارزه‌جویانی خبر می‌دهد که به رغم چندتحیف خود، با دیابی ازقدرت و عزم، درآیینچه با کینه و نفرت، با تنها اسلحه کاری خود - چوبدستشان- به استقبال سرب داغ می‌روند.

* حبیب صادقی

تنها یک تابلو ارائه کرده، که درآن واقعیت و ذهنیت، نماد (سمبل) و عین را به‌کارگرفته‌تا ددمنشی و خشونت‌طاغوت، در هیبت مردی، کوتاه‌قد و زشت، و جنبه‌ای کم‌بها از مبارزه مردم را، به تماشاگر بنمایاند. در این باز تصویری، صادقی از ابتدایی‌ترین پرداختها کمک گرفته است.

* ناصرپلنگی

در «کوچ»، این‌تنها طراحی رنگ-شده‌اش، به فقر و محرومیت و دردمندی زحمتکشان نظر دارد، اما «نظری» که بیشتر‌سوزدل وترحم‌برانگیزاست، «حسی» که هیچ زحمتکشی مطلقا به آن محتاج نیست.

* خسرو وجودی

تنها یک تابلو ارائه کرده، که درآن «نثرش از کارهایش،الهام‌گرفته از انقلاب، شرکت کرده است. او به نیت قالبد و نقد پس از انقلاب شکوهمندش به باز-آفرینی گوشه‌هایی از آن نشسته: اینجا «روری از زنان از کنار شهیدان» می-گذرند هم چهره‌پوشیده، هم «گریان»، همه فغان برآور و همه گویی مصیبت-دیده و رثای دیگر «بهترین هدایای» خود - فرزندانشان را - نثار آنها می-کنند. (از سویی «نثار» می‌کنند و از سوی دیگر به شیون می‌نشینند)و آنجا تهی از روح عصیان و مبارزه، این و آن زن «افتان وخیزان» پوشیده در غبار دودآلود یاس و درماندگی، «راهی گورستان می‌سازد تا در میان قربانیان سینما درکنی» شهید خودرا بیابند.

نیز در این نمایشگاه با ارائه ۶ تابلو از کارهایش،الهام‌گرفته از انقلاب، شرکت کرده است. او به نیت قالبد و نقد پس از انقلاب شکوهمندش به باز-آفرینی گوشه‌هایی از آن نشسته: اینجا «روری از زنان از کنار شهیدان» می-گذرند هم چهره‌پوشیده، هم «گریان»، همه فغان برآور و همه گویی مصیبت-دیده و رثای دیگر «بهترین هدایای» خود - فرزندانشان را - نثار آنها می-کنند. (از سویی «نثار» می‌کنند و از سوی دیگر به شیون می‌نشینند)و آنجا تهی از روح عصیان و مبارزه، این و آن زن «افتان وخیزان» پوشیده در غبار دودآلود یاس و درماندگی، «راهی گورستان می‌سازد تا در میان قربانیان سینما درکنی» شهید خودرا بیابند.

«ترک بامدادان» از دیگر آثاردیبری است. مزدک با لباسی سرخ در گوشه راست تابلو ایستاده و به مزدکیای‌سر-از تن‌جدا شده‌ی پیچیده در رنگ‌آبی اشاره می‌کند؛ شمشیرهای آخاذخه-پاسداران «شکوه و عظمت خسرو انو-شیروان» این سرهای حق‌گو و حق‌خواه را از بدن‌جدا کرده. پرداخت این مضمون آنچنان مخدوش و ابتدایی و بلاجانبه است که از اهمیت و ارزش آن می-کاهد :ور قابلیهایی که بنظر می‌رسد مرز-های زمانی و مکانی را درهم شکسته است، مردی سخت مهیب، با خنجرهای بزرگ بجای چشم، در متن سیاهی جای گرفته، در قالب دیگر هم از پاچشمهای بسته و همچنان عبوس پگماری منادی یاس و باطل است، به قالب سوم که با بی‌گذاره، کسب هویتی‌کرده و باچشمان باز و نگاهی کنجکاو بجهان می‌نگرد، تا جایی که بدورک هستی واقعی می‌رسد، -دراین میان حتی به شکنجه و بندهم تن درنمی‌دهد. وسرانجام درطیفی رنگین، گل سرخ و پرطراوت شهادت را می-بوید. به‌این‌ترتیب «خط سرخ‌شهادت» که جوهر فلسفه تشیع علوی‌است، دنبال می‌شود.

* بهرام دبیری

درتابلوی عریض وطویل به جمع-بندی ابتدایی مفاهیمی گوناگون‌نشسته، در این تابلو از «دهیچز» می‌توان‌نشانه گرفت. از نمادهای شبوت و ثروت و قدرت و فساد و شر تا گواهان تقدس و فقر و ضعف و پاکی و نیکی و.....و همه در رابطه‌مکانیکی درکنارهم جمع-سازی شده‌اند!

«مزدک بامدادان» از دیگر آثاردیبری است. مزدک با لباسی سرخ در گوشه راست تابلو ایستاده و به مزدکیای‌سر-از تن‌جدا شده‌ی پیچیده در رنگ‌آبی اشاره می‌کند؛ شمشیرهای آخاذخه-پاسداران «شکوه و عظمت خسرو انو-شیروان» این سرهای حق‌گو و حق‌خواه را از بدن‌جدا کرده. پرداخت این کار نیز، نه‌کامل و نه رساست؛ تماشاگر برزمینه ذهنی، هیچ برداشتی از این‌تابلو نمی‌تواند بدست‌آرد. مزدک، این‌پرزک‌مرد تاریخ ایران، که ۳۰ سال سایه حق-خواهش‌برتاریخ منجمدشده در «کاست»-های سامانی سنگینی کرد و پس از سرکوب خونین جنبش مزدکی، بیش از پیش درژرفای اجتماع ریشه «واند،کوب که به‌پیروزی «نور برظلمت» باور داشت و «عدالت و برابری» را می‌آموخت،مردی تحیف ودرماندهٔ بازآفریده شده،که در مقابل «شکوه و عظمت پادشاهی‌سامانی» بسیار خرد و زبون معرفی می‌شود.

* فرح نوتاش

با ۴ تابلو در این موزه شرکت دارد: «۱۷ شهریور» (نمونه بارز آمیختگی واقعیت اصیل با تخیل‌هنری‌صیقل‌خورده)، «آزادی زندانی سیاسی»، «فاجعه سینما رکس آبادان» و «آغاز».

* ثمیلا امیرابراهیمی

نیز ۴ اثر دراین موزه ارائه داده است: «حرکت»، «۱۷ شهریور»، « در پیروزی» و «همبستگی».

* موسوی زاده

نیز از مجموعه نقاشیهای «انقلاب مشروطیت» خود، دو تابلو: «چاپ نشریه» و «خبر شبیخون» در موزه به نمایش گذاشته است.

درمورد این نقاشان و آثارشان قبلا یادداشتهایی در «مردم» و «دنیا» به چاپ رسیده‌است. فلاورخالق‌پور تابلوی «چهره جزیشکن» را ارائه کرده. مهدی‌بهبوی ۲ کار، حسن صفاء ۵ اثر، که بیشتر در برخورد با طبیعت بازآفریده شده،البته طبیعتی تهی از انسان وجود. جمال متولی با ۲ تابلو، که‌یک فضای‌مضطرب و درهم‌حال آرام گورستانی را پیش‌رو گذاشته، که خانواده‌ها برای بگور سپردن شهیدان خود، شبانه و پنهان از چشم خبرچینها به‌آنجا رفته‌اند. برخلاف تابلوی دیگر، که گ گ‌سرخی راه‌به مشت تبدیل‌شده نشان می‌دهد و بیشتر جنبه شعاری دارد. حسین ماهر: ۲ کار عرضه داشته که بنظر میرسد نقاش بیشتر در کش و قوس بازی‌رنگ و نور و ریتم سر-درگم است و منظره‌ای تجریدی هم از کلاردشت. عزت، صفره غفیر، و حسین رسائل نیز حریک پایک اثر درپهای این نمایشگاه‌ها شرکت داشتند.

بطور کلی، تابلوهایی که در بوشن بعنوان «گامهای نخست برای نقاشی دیواری» از آن نام‌برده شده، به بیماری «بی‌گویی» مبتلاست. بسیاری از انگیزه-های این آثاردیدمون لطمه زدن به‌مضمون کلی، قابل حذف است.

هرچند حرکت تودیدبخش مسئولان موزه در برگزاری نمایشگاهی ایناچنین، در تداوش باید که مورد بررسی قرار گیرد، ولی در همین حد هم قابل تامل است.

اخبارکارگری

در مجمع‌عمومی کارگران کارخانه کاشی سعدی گفته شد:

مخالفت با خواستهای کارگران، حرکت درجهت منافع آمریکاست

پیرو دعوتی که شورای کارگران کارخانه کاشی وسرامیک سعدی از کانون شوراهای دانشگاه‌صنعتی پلی‌تکنیک بعمل آورد، یکباز اعضای کانون روز شنبه ۵۸/۹/۱۷ در کارخانه برای کار-گران در مورد انتخابات شورا صحبت کرد. پس از او یک از اعضای شورا ضمن‌سخنان‌خود گفت:

«مبارزات ما وارد مرحله تازه‌ای شده است و ما می‌خواهیم کارخانه ملی‌شود، باینحال که‌حقوق‌کلان می‌گیرند و کارشی-کنند تصفیه شوند. لازمه این‌کار، تجدید انتخابات شورا و افزایش اعضای آن است.»

کارگران به‌اعتقادسخنان عضو شورا را تاییدکردند وشورای کارخانه طی‌نامه‌ای به‌شورای‌انقلاب خواست‌های کارگران را به شورای انقلاب‌گزارش کرد. خواستهای کارگران‌بشرح‌زیر است:

۱- افزایش تولید کارخانه و جذب کارگران بیکار.

۲- ورود سریع‌تر مواد اولیه به‌کارخانه و بالابردن تولید از این طریق.

۳- ملی شدن کارخانه.

۴- خاتمه‌دادن به نمایندگان انحصاری شرکت و ایجادهماهنگی-های مصرف در سراسر کشور برای توزیع تولیدات کارخانه.

شورای کارخانه مسئولیت پایین‌بودن سطح تولید و مواد اولیه را مستقیما متوجه رضا کاشانی‌اخوان، کارفرمای کارخانه، می‌داند و این‌خواست‌ها را درجهت مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران اعلام‌کرده و درنامه خودبه‌شورای‌انقلاب یادآور می‌شود که مخالفت با این خواستها حرکت در جهت منافع آمریکاست.

پاکسازی کمیته ارج

کمیته پاسداران ارج پس از پیروزی قیام شکوهمند ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه جهت پاسداری و حفاظت از شرکت، از کارگران شرکت بوجود آمد.

متاسفانه دراتصاب‌این‌افراد دقت لازم بعمل نیامد و تعدادی افراد نالایق درکمیته نفوذ کردند. در نتیجه‌آنها بجای اینکه‌مجری خواست شورای کارگران‌باشند، مجری سیاست بدیهیت وعوامل آنها شدند وبطور مکرر برای اعضای شورا و نیروهای انقلابی مزاحمت ایجاد میکردند. بطوریکه درتاریخ ۵۸/۹/۲۱ یکی از اعضاء کمیته به‌یکی‌از نمایندگان‌کارکنان، که مورد اعتماد و پشتیبانی همه‌کارگران است، اهانت کرد و این‌عمل خشم کار-گران را برانگیخت. لذا بدرخواست‌شورای کارکنان ۴ نفر از اعضای این کمیته خلع‌سلاح و از کمیته اخراج گردیدند.

شرکت ایرداك زورمی‌گوید!

شرکت ایرداك ذ. بریز، کوی ولی‌عصر، خانه‌های پیش-ساخته تولید می‌کند. دراین‌شرکت بخصوص پیش‌از صویب حدد-اقل دستمزد ازطرف وزارت‌کار، کارگران صاف و پوست‌کنده با زور روبرو بودند و گوش کسی‌بدهکار نبود. الان کارگران بسیاری از موسسات توانسته‌اند باپیگیری از حقوق پیش‌بینی شده درقانون‌کار، نظیر حق‌اولاد، «ق‌مسکن و حق خواربار برخوردار شوند. کارگران این‌شرکت «چند کرارا به اداره‌کار مراجعه کرده‌اند و شکایات‌متعددی‌تسلیم کرده‌اند، ولی اداره کار جز نوشتن‌پاك‌نامه برای‌شرکت، برای‌کارگران‌کاری نکرده است. کارگران شرکت ایرداك همچنان با پیگیری حقوق‌مسلم خود را مطالبه می‌کنند و کارفرمایان هم طبق‌معمول از پرداخت آن خودداری می‌کنند.

شرکت سهامی گونی‌بافی قائم‌شهر را دریابید

شرکت‌سهامی گونی‌بافی قائم‌شهر، با بیش‌از ۴۰ سال سابقه، اینك پس‌از انقلاب، بخاطر کمبود مواد خام و بطورعمده کند درمعرض تعطیل قرار گرفته و بیش‌از ۱۵۰۰ کارگر آن در آستانه بیکاری‌اند.

این شرکت انواع کیسه‌های گونی و فرشبافی با طرح‌های گوناگون تولیدمی‌کند که به‌بازار داخلی عرضه می‌شود. موادخام مصرفی شرکت اوایل -پیش از ۱۳۲۰- از کنف کشت‌شده در گیلان و مازندران تامین می‌شد، ولی‌بتدریج نظام بزرگشت اقتصادی و بازگشائی کدرژیم شاه،مخلوع طراح آن بود، کشاورزان کنف‌کار را خانه‌خراب کرد و قیمت‌کنف روزبروز سقوط کرد، بقول یکی از کارگران، مسئول سابق خرید کنف و حسابدار کارخانه، کشاورزنکرده از کشاورزان می‌خرید. این شخص که‌مختاری بلاهبار، پس‌از انقلاب بپیت مراحل از کارخانه اخراج شد. در حال‌حاضر حتی‌آن‌ی‌کزکشت کنف درمناطق‌مازندران دیده نمی‌شود و شرکت گونی‌بافی قائم‌شهر ازمدتی پیش مواد اولیه مصرفی خود را ازخارج تامین‌می‌کند.

کارخانه گونی‌بافی فعلا به‌موادخام کافی دسترسی ندارد. شورای کارگران این شرکت برای رفع این مشکل در تهران پس می‌برند و هنوز درملاقات با مسئولین سازمان گسترش به نتیجه‌ای نرسیده‌است.

شاه‌خلیلی، مدیرعامل‌کارخانه، فعالیتی «وجهت پس‌طرف کردن فارسیهای از خود نشان نمی‌دهد و حتی در مشخرانی برای کارگران صریحا از «احتمال زیاد تعطیلی کارخانه» صحبت میکند.

کارگران فعلا در دونوبت صبح و بعدازظهر و بجای هشت ساعت‌کار درهرنوبت فقط ۳الی ۴ ساعت کار می‌کنند. کارگران این‌کارخانه نیز مثل همه کارگران متنبع درآمد دیگری ندارند. و بیم‌آن‌می‌رود که با ادامه‌نابسامانی در، تولید، از هست و نیست ساقط شوند.

جا دارد مسئولین امور در رفع مشکلات این کارخانه از خود قاطعیت بیشتری نشان دهند.

در کارخانه تخته‌فشرده‌شمال چه‌میگذرد

کارخانه تخته فشرده شمال، واقع‌در‌کیلومتر ۱۰ جاده‌سازی قائم‌شهر، ازدوسال پیش شروع به‌کار کرده است. این‌کارخانه به «صداقت» و «توسلی» تعلق داده ودرحال‌حاضر هرروز بمقدارپنج کامیون بزرگ تخته فشرده تولید می‌کندکه قیمت هرکامیون تخته آن چهل‌هزارتومان است.

چوب مصرفی‌کارخانه از «تکچوب» تامین می‌شود ومواد اولیه دیگر، نظیرمواد شیمیایی وچسب، فعلا‌تاپایان‌است‌وهمین‌مساله سطح تولید را پائین آورده است.

دراین‌کارخانه حدود ۱۳۰ کارگر در به‌نوبت‌کار می‌کنند. اکثرکارگران از روستاهای مجاور، مثل پاشاکلاوگیشم می‌آیند. این‌کارگران سرویس رفت‌وآمد یاناهارخوری ندارند.

بااین‌که شدت‌کار این کارخانه فوق‌العاده زیاد است، معهذا دستمزدکارگران تاپیش‌از انقلاب ماهانه حدود ۸۰۰تومان بود.در حال‌حاضر دستمزد ۲۰۰۰تومان‌شده‌وسود ویژه‌هم رقم‌بسیارناچیزی را تشکیل می‌دهد.

کارگران تامین شغلی ندارند. چندماه‌قبل‌کارفرما ۴کارگر را،که هریك ۶ماه سابقه‌کار داشتند، فقط باپرداخت ۲۵۰۰تومان اخراج‌کرد. شکایت این‌کارگران به‌فرمانداری قائم‌شهر نیزبجایی نرسید. درحال‌حاضر بااین‌که‌کارخانه شورا دارد، ولی‌کارگران هیچگونه نشینی درپراپر اخراج خودسرانه بوسیله‌کارفرما ندارند.

کارفرمایی‌که ازتیره شدن روابط ایران وامریکاهم سودجویی‌میکند

کارفرمای‌کارخانه دستمال‌کاغذی حریر، که ازهروسیله برای فشاربه‌کارگران واخراج آنها سوءاستفاده میکند، حتی‌تیره شدن روابط بین‌ایران وآمریکا رانیز دستاویز عملیات ضدکارگری‌خود قرار داده است.این‌شخص بهانه کمبود مواداولیه کارخانه، که‌از آمریکا وارد‌میشود، درصدد اخراج نیمی ازکارگران برمی‌آید،که‌با مقاومت‌شدیدکارگران مواجه‌میگردد. کارفرما‌بعنوان اینکه‌کارگران درکارخانه دست‌به افشاگری‌زده‌اند،ازکمیته‌منطقهٔ ۱۶ کمك‌میخواهد، اماپاسداران‌کمیته‌که به‌نیز نگهای صاحب کار پس‌میبرند، جانب کارگران‌را‌میگیرند.در‌نتیجه‌کارفرما‌نه‌تنها‌ناچاربه‌انصراف ازتصمیم خود درمورد اخراج‌کارگران میشود، بلکه‌بقبول تشکیل‌شورا‌نیز، که ازخواستهای جدی‌کارگران‌میباشد،ازکارخانه ایران‌کارخانه است، ن‌درمیدهد. کارگران تصمیم‌دارند در‌آینده‌از نزدیك شورای خودرا تشکیل‌دهند.

این‌کارخانه کمبودخیابان فدائیان اسلام ازنزدیك به‌جادهٔ دوآب آباد واقع است، درحدود ۱۶۰ کارگر دارد.

آقای گریان!

چند روز قبل، «اورانالسادات (یعنی نورانی‌ترین آقایان!) بر صفحه تلویزیون فرانسه ظاهر شد، با او مصاحبه میکردند. ظهور «نورانی‌ترین آقایان» برصفحه تلویزیونهای‌غربی‌تازگی ندارد، بخصوص از آنروزی که شخصا به اسرائیل تشریف بردند وبا آن «نور» مخصوص خودشان چشم تمام امپر-یالیستها و صهیونیستها را روشن کردند، با بگیس دست در آغوش شدند، بوسه دادند، بوسه گرفتند، به‌پارلمان‌اسرائیل تشریف بردند، پشت به‌خلقهای‌عرب و روی به کمپ‌دیوید آوردند و سر در دامان میر کارتر نهادند. آری، از همانروز دیگر «نورانی‌ترین آقایان» یکی از «چهره‌های معروفه تلویزیونهای غرب شد.

اما همه آن «جلوه‌گریها» بیاطرف و این جلوه آخری‌در تلویزیون فرانسه بیاطرف. «اورانالسادات اینبار درچاوی‌دوربین، برای بینندگان گرامی گریه کردا البته نه به‌تقاضای‌آنها، بلکه کاملا داوطلبانه، گلوله گلوله اشك ریخت. فکر میکنید چرا؟

در اثر ندامت از امضاء قرارداد کمپ دیوید و خیانت بخلق مصر و خلق فلسطین و تمام‌خلقهای عرب‌و تمام‌مسلمانان‌جهان؟ بخاطر شهیدان خلق فلسطین، که دربدر برای آزادی میمیشان جان میبازند! بخاطر کودکان آواره و بی‌پناه فلسطینی؟ بخاطر کودکان قطعه قطعه شده در زیر بمبهای اسرائیلی؟ یا به خاطر بیماران آواره و دربدر فلسطینی؟ نه!

او فقط بخاطر یك «بیمار- گریست! بیماری دربدر در غربت و رو بمرگ؛ که حتی برلب گورلیز آرامش نمیگذارند.بهر کجا پای می‌نهد، هزاران نفر با فریاد خشم و پرخاش خواستار اخراجش از آن‌خاك‌وخطه میگردند، خواستارمحاکمه «بیمار» میشوند،خواستار تیربارانش میگردند! آری، سادات برای این «بیمار- گریست! میدانید این بیمار کیست؟ محمدرضای مخلوع است!

و میدانید «نورانی‌ترین آقاها» چرا گریست؟ چون مسلمان است! تعجب نکنید! خودش اینطور میگوید. و میدانید برزعم‌انور-السادات، چه‌کسی مسلمان نیست؟ امام خمینی!

سادات در تلویزیون فرانسه، در این مصاحبه، گفت:

«با خمینی مسلمان‌نیست و یا من. آخر مگر مسلمانی اینست که مریضی را اینهمه تحت فشار قرار دهند؟

خیر قربان! چه فرمایشها! ملاك «مسلمانی» شما همین‌است که خودتان فرمودید: اشك و آه برای محمدرضا و البته چند نفر دیگر چون بایستا، سوموزا، هایل‌سلاسی، پاراچیوناتهی، پول‌پوت، سرهنگان‌یونان، فرانکو، کای‌تانو، مسولینی و بالاخره«هیتلر- از قلم نیندازیم - و البته آقایان کارتر، راکفلر، کیسنجر، برژینسکی، بگین، و خود شما هم که تاج سر همه این «آقایان» هستید، چون «نورانی‌ترینشان» هستید!

و آن میلیونها انسانی که بدست این‌افراد در شکنجه-گاهها، زندانها و میدانهای جنگ از پای درآمدند یا شهیدشدند، همه «گناهکاران»، بی دیانت» و «نامسلمان» بوده‌اند، علی‌الخصوص آنها که عده‌ای از این «رجال با ایمان» را بدوزك فرستاده‌اند!

مگر میشود این «مصیبت» را نادیده‌گرفت؟ تمام‌آن‌کسانیکه در برابر «این افراد مومن» بپاخیزند وبخواهند اینها را هم بسر-نوشت «محمدرضا» دچار کنند، ازجمله جنابعالی‌وآقای بگین را- همه هم «گناهکارند» و هم «نامسلمان».

با اینها چه باید کرد؟ باید لاخنهایشان را کشید. بایدروی اجاقی برقی کبابشان کرد. باید با دستبند قپانی قفسه سینه‌هایشان را خرد کرد. باید از هلیکوپتر بدریاچه‌های نمك‌واژه‌انداختشان. باید «هنگام فرار» تیرباران‌شان کرد و همه اینها برای‌اینکه‌صدمه‌ای بامپریالیسم نرسد و به «ایمان» شما به آن خدشه وارد نیاید، تا سر صهیونیسم سلامت بماند و ازدولت جون سر آن، شما در راس «دولت» قرار گیرید و بتوانید چون «محمدرضا» ادعای «مسلمانی» و «اسلام‌پناهی» کنید!

ولی ای «نورانی‌ترین آقاها»، جای مهری که بر پیشانی شماست، شاید ایلهان را فریب دهد، اما خلقها هشیارانی. آنها هم شما را می‌شناسند و هم امام‌خمینی را! آنها هم اسلام شما را می-شناسند هم اسلام امام خمینی را. آنچه شما «اسلامش» مینامید، به آغوش بگین و دامان کارتر ختم میشود و آنچه امام خمینی اسلام میداند، در خط امام که ضدامپریالیستی و خلقی است، منعکس میشود، و برای این‌خط ضدامپریالیستی و خلقی است که خلق ما میزرهد، علیه ارباب شما که آمریکاست، و نوکرش که خود شما باشید.

ورنه بزرگی است بین این دو جهان، اینطور نیست آقای گریان؟

فعالیت ضدانقلاب برای متوقف کردن تولید کارخانه سیمان رود

ضدانقلاب در کار تولید سیمان کارخانه درود اخلال میکند وبا اقدامات مختلفی می‌کوشد سیمانهارا غیرقابل مصرف سازدودرنتیجه عملیات ساختمانی خانه‌سازی را متوقف کند. مسئولین امرباید هرچه زودتر بـــا انتشار اسامی افراد ضدانقلاب و وابسته به رژیم واخراج آنان کار را بصورت عادی عودت دهند.

شرکت های گیلان‌ورو سیمان ودی دو شرکت ساختمانی هستندکه در رژیم‌گذشته قراردادهائی جهت ساختمان خانه برای کارگران‌کشت وصنعت خوزستان متعقدکرده بودندکه قسمت‌اعظم این طرحها اجرا‌نمی‌گردیده وطرح مواد اولیه آنرا اخرخود رامیگذارند. شرکتهای خانه‌سازی سیمان مصرفی خودرا ازکارخانه سیمان‌رودرود خرم‌آباد تامین‌میکنند. ازچند ماه‌پیش بایلطرف عناصرضدانقلاب درکارخانه دست‌به افشاگری‌زده‌اند، ازکمیته‌منطقهٔ ۱۶ کمك‌میخواهد، اماپاسداران‌کمیته‌که به‌نیز نگهای صاحب کار پس‌میبرند، جانب کارگران‌را‌میگیرند.در‌نتیجه‌کارفرما‌نه‌تنها‌ناچاربه‌انصراف ازتصمیم خود درمورد اخراج‌کارگران میشود، بلکه‌بقبول تشکیل‌شورا‌نیز، که ازخواستهای جدی‌کارگران‌میباشد،ازکارخانه ایران‌کارخانه است، ن‌درمیدهد. کارگران تصمیم‌دارند در‌آینده‌از نزدیك شورای خودرا تشکیل‌دهند.

این‌کارخانه کمبودخیابان فدائیان اسلام ازنزدیك به‌جادهٔ دوآب آباد واقع است، درحدود ۱۶۰ کارگر دارد.

راه‌پیمائی ضدامپریالیستی کارگران درتبریز

هزاران نفر از کارگران‌تبریز دیروز به دعوت اتحادیه‌سراسری شوراهای انقلابی اسلامی کار-کنان شرکت‌های تابعه وموسسات وابسته به سازمان گسترش ونوسازی صنایع ایران برای محکوم کردن امپریالیزم آمریکا دست به‌تظاهرات و راهپیمائی وسیعی زدند.

در این راهپیمایی‌که کارگران تراکتور سازی، پیستون سازی، قالیبافی و چندین کارخانه‌دیگر در آن شرکت داشتند. کارگران فریاد می‌زدند:

خمینی رهبر ماست،
آمریکا دشمن ماست
و
سازشکار، سازشکار، نوکر آمریکائی
کارگر، کارگردشمن‌آمریکائی
صنایع وابسته‌ملی باید‌گردد،
امپریالیزم خونخوار نابود باید گردد.

این کارگران سپس در مقابل کنسولگری آمریکاتجمع‌کردند و با صدور قطعنامه‌ای توطئه‌های امپریالیزم آمریکا را محکوم ساختند.

کارگران رزمنده، دیروز در تظاهرات پرشکوهی در سراسر کشور، خواستار ادامه افشاگریهای دانشجویان پیروخط امام شدند، عکس، گوشه‌کوچکی از ارتش پرولتاریا را در برابر جاسوسخانه نشان میدهد

تظاهرات دهها هزار نفری کارگران درسراسر کشور...

بقیه ازصفحه ۱

- ما خواهان ادامه افشاگری دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام درباره عمال و جاسوسان امریکا و محاکمه‌علنی و انقلابی‌مزدوران مانند عباس امیرانتظام‌که متاسفانه در دولت هم‌نفوذ کرده بوده‌اند، می‌باشیم و بایدبرای‌آب‌مجازات‌ش هائی حتی شدیدتر از عمال‌رژیم پیشین درنظر گرفته شود.

شباهت‌های ناگزیر...

راهگشای احزاب، سازمانها، گروهها و گروهکهای سیاسی، «تحلیل مشخص» آنها از اوضاع سیاسی روز است. این «تحلیل مشخص» از بطن تمایلات‌طبقاتی که احزاب، سازمانها و... واقعا سخنگوی آنها هستند، که علی-غم ادعایشان، متولد میشود.

«شباهتهای ناگزیری که‌بین تحلیلهای طیف وسیع‌از سازمانها و گروهها و... از مسعیان «مارکسیسم‌لنینیسم» گرفته تا ارگانهای ضدانقلاب‌مانند «آرا» و «فریاد آزادی»، که‌توسط‌ساواک‌ایران و طرفداران بختیار در پاریس منتشر میشود، وجود دارد، دراین ستون برای قضاوت خوانندگان می‌آید:

«در باره اشغال لانه جاسوسی

«مقاصدی که حاکمیت وقت با «تسخیر» سفارت امریکا دنبال میکند، عبارت از آستکه اولا با ضدامپریالیست نشان دادن خود، دایستگی با امریکا تا چه حد از نظر ما نفرت‌انگیز است، انزفرست استفاده کرد و با اتکا دوستی! با امریکا حریف خود را پس راند.» (دانشجویان هوادار راه کارگر)

«جریان مبارزه طبقاتی درون جامعه، که جدا از هیات حاکمه و در مقابل‌حکومت‌به‌پیش میرفت، با اشغال با برن

ترس ضد انقلاب از تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی

موضوع تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی به‌شدت آمریکا وعوامل وابسته به‌آن را نگران ساخته است. به‌همین‌دلیل عوامل آمریکا در داخل کشور دست به تحریکات مختلف زده و می‌کوشند از شکل‌گیری چنین ارتشی ممانعت به عمل آورند. براساس اطلاع رسیده درهفته گذشته چندنفر قصد حمله به‌کمیته شماره‌یك وخلع‌سلاح یکی ازافراد این کمیته را، که ضمناً کار آموزش نظامی درمسجد ولی‌عصر (تبریز) را نیز به‌عهده دارد، داشته‌اند. درآن‌هفته‌همچنین افراد ناشناس به کمیته شماره یك تلفن کرده وتهدید کرده‌اند که‌اگر آموزش نظامی قطع نشود، مسجد محل آموزش نظامی‌منفجرخواهد شد.

بانك‌ها ملی‌شدند، ولی اعطای‌وام به مردم هنوز تابع ضوابط طاغوتی است.

گچساران ازمناطق‌نفت‌خیز ایران است. در این شهرستان خانه‌های شرکت‌نفت از دیگر محل‌های مسکونی جداست و کلیه زمین‌های منطقه به فئودال بزرگ یعنی منصوربهاشی تعلق دارد. این‌شخص که دردوران‌رژیم گذشته صاحب نفوذ کامل بود، زمین‌هارا «وکالتی» می‌فروخت وبا انواع وسایل‌مانع ازآن شد که مردم زمین‌های خودرابه‌ثبت برسانند؛ به‌این‌ترتیب، درحال حاضر، اکثرخانه‌ها فاقدسندثبتی هستند. بانك‌هاهم در گروه سند ثبتی‌خانه وام‌می‌دهند، درحالی‌که برروی هم ۵/۰٪ خانه‌ها چنین سندی دارند.

کسبه خرده‌پای شهر نیزپس از انقلاب بامشکلات تازه‌ای روبروشده‌اند. تاجران فقط به فروشندگانی بطور اعتباری‌جنس می‌دهند که سرمایه قابل توجهی داشته باشند. این کسبه از وام بانکی‌هم بهره‌مند نمی‌شوند،زیرا حداقل باید ۳۰۰ هزارتومان داشته باشند. درحالی‌که بیشتر کسبه چنین دست مایه‌ای‌ندارند.

مسئولان‌امر باید بارسیدگی سریع به‌مشکلات پیشه‌وران‌وکسبه ازجمله بااداره انقلابی‌بانك‌ها و دادن وام باشرایط مناسب، از طرفی به‌امرتوزیع کالاهای‌مصرفی یاری رسانند وازطرف دیگر در این محدوده نیزدست ضدانقلاب را ازهست‌ونیست مردم زحمتکش کوتاه کنند.

ماخواستار محاکمه قاتلان وشکنجه گران توده‌ایها هستیم

دادگاه انقلاب اسلامی رشت به‌کار خود درباره محاکمه مسببین حادثه خونین زندان رشت درسال ۱۳۳۳، که منجربه شهادت پنج زندانی توده‌ای، پنج‌سیمای درخشان شد، پایان داد. این پنج‌تن عبارت بودند از رفقا، **تقی الدام‌دوست، محمد تقی محبت‌خواه، سبزعلی محمدپورعلی، علی‌بلندی وهرمز نیکخواه.**

قاتلان به حبس ابد واز ۲ تا ۱۵ سال زندان محکوم شدند.

ماصدوراین حکم‌عادلانه را درباره قاتلان رفیقان سرفرازخود به دادرسان‌دادگاه انقلاب اسلامی رشت تهنیت میگوئیم. ما بی‌غرضی، بی‌نظری وعدالتخواهی قضات‌دادگاه را میستائیم. ماباصرت اعلام‌میکنیم که‌این **نخستین‌باراست** که قاتلان توده‌ای‌ها به‌کیفر اعمال جنایتکارانه خود میرسند.

اما این نخستین‌بارنباید آخرین‌بارباشد، بآن‌دلیل‌که آن پنج‌تن، تنها توده‌ایهای شهید نبودند. قبل‌ازآنها وبعدازآنها، توده‌ای‌های بسیاری‌بدست‌دژخیمان‌محمدرضا، چقدرراه‌پیمائیها، چقدرشکنجه‌گاهها وچقدرمیدانهای تیربه‌شهادت رسیده‌اند، که اکنون دردوران پیروزی انقلاب مردمی‌ما، قصاص خون خودرا می‌طلبند.

در میتینگ‌ها و راه‌پیمائیهای سالهای ۱۳۲۱-۱۳۲۵ در سراسر ایران، درجریان حوادث آذربایجان و کردستان (سال ۱۳۲۵)، هزاران توده‌ای مؤمن بدست‌مزدوران‌شاه‌مخلوع به‌قتل رسیدند. میتوان بامراجعه به‌پرونده‌های آن سالهادرادارات ارتش،شهربانی‌وژاندارمری مسببین این‌کشتارها را یافت وبه‌کیفررساند.

پس از بهمن سال ۱۳۲۷ و اعلام «غیر قانونی» بودن حزب تودهٔ ایران، تاکودتای۲۸ مرداد، صدهاتوده‌ای‌درمیتینگ‌هاوراه‌پیمائیهای تهران وشهرستانها بدست کارگزاران جنایت- پیشه شاه مخلوع و احزاب دست نشانده «سیا» و ازجمله حزب «سومکا» و «حزب زحمتکشان» دکتربقائی مقتول شدند. بایدآن پرونده‌ها را یافت و مجریان را به‌عقوبت رساند.

مهمتر ازهمه رسیدگی به‌پرونده کودتای خائنانه ۲۸مرداد، عاملین و مجریان آنست، حادثه ننگینی که در میهن‌ما از شاه‌مخلوع تا اردشیرزاهدی، عده‌ای‌ازافسران عالیرتبه،جمعی ازوزیران، نمایندگان‌مجلسین‌وروزنامه‌نگاران، چون‌مظفربقائی‌وعلی‌اصغرامیرانی،درآن‌شرکت داشتند، وآغازی برای‌ارتکاب هزاران‌جنایت شد.

توده‌ای‌ها نخستین‌قربانیان این‌فاجعه‌بودند. صدها افسر توده‌ای روانه شکنجه‌گاهها شدند. بهترین کادرهای حزب دستگیر و روانه زندان شدند. بیش ازسی‌افسرتوده‌ای تیرباران‌شدند. رزمندگان دلیری چون **وارطان و کوچك شوشتری** نخستین قربانیان اطاقهای شکنجه بودند. توده‌ای‌هائی نظیر **جهانگیربابخدائیان** درکوچه ومعبر آماج گلوله‌جلادان‌فرمانداری نظامی قرارگرفتند.

باتشکیل ساواك، این هدیه «سیا» به‌محمد رضا، این‌دستگاه ایجاد رعب وابزارشکنجه‌های حیوانی،جنایت وآدمکشی،بازعده‌ای ازتوده‌ایها زیر شکنجه شهید شدند.

آیا قاتلان وشکنجه‌گران **معصوم زاده، رزمی، تیزابی، حکمت‌جو، حیدری بیگوند** دستگیرومحاکمه‌شده‌اند؟ واگر نشده‌اند، چرا؟ آیا محاکمه‌کنندگان، شکنجه‌دهندگان وقاتلان **خسروروزبه** دستگیر ومحاکمه‌شده‌اند؟ واگر نشده‌اند، چرا این پرونده‌ها دردادرسی ارتش، درمیان پرونده‌های‌بدست‌آمده‌از مراکز ساواك‌جهنمی‌موجوداست. بایدآنهاراگرفت‌وبررسی کرد،قاتلانی‌راکه‌بدروغ‌نام‌قاضی برخودگذارده‌اند وبامید دریافت منصب ومقام، امضاءخودرا پای احکام‌بکنه شده محمدرضا گذاردند، به دادگاه انقلاب فراخواندو کیفرداد. باید دستهای‌جنایت کاری‌راکه زندگی‌های جوان وپربار توده‌ایهای معتقد ومؤمن را درشکنجه‌گاههای کمیته به خاکستربدل کردند، شناخت و کیفرپخشود.

این‌وظیفه دادگاههای انقلاب است که نگذارندهیچ خونی هدررود، این‌وظیفه‌دادرسان این‌دادگاههاست که‌مانندقاضی‌دادگاه انقلاب اسلامی‌رشت وخشور عدل‌و نصف‌باشند و راه را برای فرارهیچ جنایت‌کاری بازنگذارند.

این‌وظیفه تمامی خلق است که‌کیفرهرآدم‌کشی‌را بخواهند، چه توده‌ای‌را کشته باشد وچه غیرتوده‌ای‌را، نباید اجازه دادچنان‌جوی‌برکشور حاکم‌شود، که‌کشتن توده‌ای‌ها بی‌کیفربماند.

نمایشگاه عکس مبارزات خلقها علیه امپریالیسم درقزوین

ازروزسه‌شنبه ۳ر۱۰ر۵۸ باکوشش‌دانشجویان هوادار حزب توده ایران در انستیتو تکنولوژی و دانشگاه‌دهخدای‌قزوین، نمایشگاه‌عکسی باعنوان «مبارزات خلقها علیه امپریالیسم آمریکا» برپا شده است. استقبال مردم از این نمایشگاه‌چشمگیر بوده است، بسیاری‌از مردم‌به‌علت تراکم جمعیت‌موفق به دیدن‌تمام‌نمایشگاه‌نشده‌اند. گروهی‌ازروستائیان پس‌از دیدن این نمایشگاه خواستار شدند که این نمایشگاه درروستاهای آنان نیزبه‌تماشاگذاشته‌شود واز جمله دربوئین زهرا.

حوادث‌جالبی‌دررابطه باتشکیل‌این نمایشگاه رخ داد. شخص کرولالی‌بانشان دادن‌عکس‌هوشی مین، باگره زدن دوانگشت، عشق وعلاقه خود را نسبت به‌رهبر ویتنام نشان می‌داد.

همچنین شخص دیگری‌به یکی از مسئولین نمایشگاه یك جفت جوراب پشمی هدیه کرد و برای دیگران آرزوی موفقیت نمود. این نمایشگاه همه روزه‌از ۸صبح الی۶ بعدازظهر دایر است.

برای شهیدان ۱۶ آذر

با یك سبد شقایق...

سه شعر،
سه شاه‌بیت،
سه استعارهٔ ناب،
سه آفتاب.

اینك غزل چگونه بپاخیزد؟
اینك کلام موزون
با نامتان چگونه درآمیزد؟

در طول شب
هماره طنین انداخت
فریادتان، رسا.
در طول شب
هماره درخشیدند
در چشم آبها.

وقتی‌که بازگشت بهاران را
باور نداشت کس،
وقتی که فکر گل
برباد رفته بود،
یاران من
شما
با یك سبد شقایق
بر سینه‌هایتان
پائیز را به سخره گرفتید.

ای نامتان بهار
ای جسمتان فلات شقایق‌زار
اینك که در رسیده بهاران،
اینك که بازگشت پرستوست،
اینك که شب شکسته به طوفان،
با یاد سرختان
بر وسعت زمین به‌تاراج رفته‌مان
صدها هزار چشمیم
بیدار و شبشکن.
صدها هزار دستیم
برا و کارزا.

آذر ۱۳۵۸،

طارم سربلند

بازهم هشدار درباره دزدان اندیشه وناشران جاعل

بیشرمی‌برخی ازناشران‌را، که‌دربی‌پول بهرکارناشایست دست میزنند، مرزوپایانی نیست. چقدر اسفناك است که عطش پسندیده‌هم‌میهنان‌ما به‌خواندن و دانستن، ملعبه مشتی سوداگر بیشرم قرار میگیرد و دانش و فرهنگ در چنگال این پول‌پرستان، ازراه تقلب و جعل، بوسیله‌ای برای دوشیدن توده کتابخوان بدل میشود. این دزدان عقل‌واندیشه حتی‌ابا نمی‌کنند که‌به‌کتاب درحال‌صحافی دستبرد زنند وآنرا صافوساده ازچاپخانه بربایند،تاخود آنرا کتابهائی بچاپ رسانند وبسرعت بفروشند.

دزدیدن آثار وربودن ثمره‌فکر وقلم‌ونام وتعلق مسلکی دیگران‌شیوه‌رایج این‌ناشران‌سوداگر است. ازآنجا که کتب‌مترقی علمی‌وادبی وآثاری‌که چاپ وانتشار آنها دررژیم منحوس سلطنتی جرم‌وممنوع بود، خریداران بسیارومشتاقان فراوان دارد، دزدان اندیشه مخصوصاً باین‌گونه کتب «توجه ویژه» مبذول میدارند. سرقتهای انتشاراتی دراغلب اوقات ناظربااین‌گونه آثار است. و بالاخره ازآنجا که‌حزب توده‌ایران نزدیك‌به چهل‌سال است‌امتحان خودراورجامعه ماداده واز اعتباروحیثیت انکارناپذیری برخوردار است، آثارمتعلق به‌نویسندگان وابسته به‌حزب ونام‌آنها، بخصوص درمعرض دستبردهای بیشرمانه این‌قبیل دزدان قرار میگیرد. ما بارها وبارها نمونه‌های این سرقت بیشرمانه رایادآوری کرده و علیه این شیوه ناجوانمردانه اعتراض‌نموده وبه‌مقامات صالحه‌نیز برای‌رسیدگی‌واحقاق حق‌مراجعه کرده‌ایم - که‌متاسفانه‌باید‌بگوئیم تاکنون‌ازنظر تعقیب‌ومجازات‌ناشران‌دزد، به‌نتیجه‌ای نرسیده‌است.

دزدی وچاپ غیرمجاز آثاروقتی ابعاد فاجعه‌آمیزبخود میگیرد که نه‌فقط بدون اجازه مولف، اثری‌چاپ میشود، بلکه با اثری که اصلا مال‌نویسنده مربوطه نیست،تنها بخاطرسوءاستفاده از نام وشهرت وتعلق سازمانی نویسنده مربوطه،بنام وی‌چاپ میشود وبفروش میرسد یامطالب وبخشهائی ازطرف فرد یا افراد مغرض ویا ناآگاه وبکلی غیرمسئول به‌کتاب سابقاً چاپ‌شده‌ای، اضافه و بازبدون اجازه منتشرمیشود.

نمونه فجیع وتازه این شگرد سوداگرانه کتابی است‌باجلد سرخ وسیاه باناام «واژه‌های سیاسی» ودرداخل پرانتز (واژه‌های نو ...). درهشت جلد، مولفین‌گویا عبارتند از امیرنیك‌آئین و خسروروزبه و مسعود معنوی و... (چند نقطه!!) درداخل، مولفین عبارتند از امیرنیك‌آئین وخسروروزبه، با این زیرنویس، تهیه و تدوین مسعود معنوی باضافه نام یك بنگاه خودساخته، «انتشارات پژوهش».

همه میدانندکه خسروروزبه قهرمان ملی ایران‌وعضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، مورد احترام‌همه مردم ایران ومنجمله کتابخوانهاست. امیرنیك‌آئین نیز آثارش توسط انتشارات حزب توده ایران‌چاپ ومنتشرمیشود وبنابراین مردم ومنجمله‌کتابخوانها باعتبارحزب با آن آشنائی‌دارند. پس روشن است‌که باسوءاستفاده محیلانه ازاین دونام، یك‌دکان تجاری بازشده، وانتشارات مجهول «پژوهش» بایك شخص ناشناس، ولی پول‌دوست، بنام‌لابد ساختگی «مسعود معنوی» کیسه دوخته است.

درهشت جلد عبارت «باهمکاری‌انتشارات‌مجاهد» اضافه‌شده «بازسوءاستفاده‌ای است ازکلمه معتبر«مجاهد» بخاطرفریبکاری.

فاجعه ازاینجا آغاز میشودکه زیرنام روزبه، ودرکنارآن نیك‌آئین، چنان خزعبلات ومطالب مبتذل وبی‌سروتهی زیرعنوان توضیح واژه‌های تازه ارائه شده، که بکلی ضدمارکسیستی وسرتا پا جعلی است واصلا وابداً نوشته روزبه یانیك‌آئین نیست.

جادارد تاکار پیگیرد ومجازات این جاعلان وناشران دزد به‌سرانجام برسد. همه علاقمندان ازخریدن این‌مال دزدی‌خودداری کنند وبه‌همه دوستان وآشنایان بگویندکه این اثرجعلی است و واژه‌های تازه‌ای که درآن تعبیه وتشریح(!) شده، بدرد همان پژوهش معنوی سارقین اندیشه میخورد ونمیتواندکمکی به‌اندوخت مفاهیم سیاسی و اجتماعی و آموزش مارکسیسم - لنینیسم بنماید.

ما رسماً اعلام میکنیم که مطالب شرم‌آور مغلوط وجعلی‌این کتاب، که درکنار سایر مطالب قبلا چاپ شده‌آورده شده، کمترین ارتباطی بااندیشه ونظریات خسروروزبه و امیرنیك‌آئین ندارد و بهیچوجه بیانگرتحلیل ونظر حزب توده ایران نیست. ماشدیداً علیه این جعل تازه اعتراض میکنیم وباردیگرمصرانه ازمقامات مسئول میطلبیم که‌باین‌گونه دزدیهای فاحش وجعلیات بی‌مسئولیت پایان دهند، حقوق مؤلفین راحفظ‌کنندو سارقین رامجازات‌نمایند.

●●●

انتشارات‌حزب‌توده‌ایران خودودرصدچاپ‌مجموعه‌واژه‌های سیاسی واجتماعی، تالیف امیرنیك‌آئین است. چاپ جدید، با اضافات وتصحیحات بسیار، که‌گذشت سال‌ها آنرا ضرورمیکند وبا مسائل تازه‌ای‌که درآن مطرح‌گردیده، درچاپی مرغوب و شایسته، بزودی به کتابدوستان و علاقمندان مسائل و اجتماعی عرضه خواهد شد.

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» درنظردارد عکسهای تمام‌مبارزانی‌راکه‌دردوران‌سلطنت ننگین ومنفورخاندان پهلوی در راه‌آرمانهای ملی‌ومیهنی‌وانسانی خود بشهادت‌رسیده‌اند،جمع‌آوری کند.

ازهمه‌میهن‌دوستان‌وآزادی‌خواهان تقاضامیشودکه هرعکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس - مردم

آمریکا، چین و تایلند به‌توطئه علیه کامبوجیا ادامه میدهند

مرزکامبوجیا وتایلند درهفته‌های اخیربسیارمشتعل‌شده‌است. دولت تایلند به دسته‌های ضد انقلابی رژیم جنایتکار سرنگون شده پول‌پوت-ینك‌ساری برای‌خرابکاری درنواحی مرزی‌کامبوجیا کمك می‌رساند. دولت‌کامبوجیا اعلام‌کرده است‌که تایلند مسئول‌این‌تشنج است. امپریالیسم‌آمریکا ومائوئیست‌های چین به‌خرابکاران‌پول‌پوت که درتایلند پایگاه دارند، کمك میرسانند.

منتشر شد

● کئومات
(نمایشنامه تاریخی)
احسان طبری

مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
خیابان ۱۶ آذر،شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
چاپ، کاویان

MARDOM
No. 128
27 December 1979
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.

بااتکاء به‌پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، باتامین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم